

# گفتمان حجاب

مؤلف: دکتر محمد بن  
عبدالرحمن عریفی

مترجم: ام حسان ملازهی



---

نام کتاب	: گفتمان حجاب.
مولف	: دکتړ محمد بن عبدالرحمن
عریفی.	
مترجم	: ام حسان ملازهی.
تیراژ	: 3000.
سال چاپ	: 1392 هـ.ش
نوبت چاپ	: اول.
آدرس ایمیل	: hanif2359@yahoo.com



سني بوک-کتابخانه مجازی اهل سنت

[www.sunnibook.net](http://www.sunnibook.net)

## فهرست مطالب

10.....	مقدمه مولف
14.....	شکستن امواج
16.....	مسألة اختلافی
18.....	و اما داستان ما
19.....	در بی‌مارستان
20.....	گفتگوی سارا و اریج
25.....	برابری
28.....	شیر زنان
35.....	گرامی‌ترین شما پره‌ی زگارت‌ترین‌تان است
37.....	حضور مها با پوششی نامناسب
43.....	تفاوت زن و مرد برای چه
48.....	همانا پروردگار تو، مدبر و داناست
50.....	پوشش تقوا
53.....	میدان نبرد
57.....	پوشش شرعی با چه لباس‌های صورت می‌گیرد
58.....	ویژگی‌ها و صفات روسری زن محجبه
61.....	پرده آخر
65.....	سالن غذاخوری
66.....	دلایل قرآن و سنت بر وجوب پوشیدن صورت
66.....	دلیل اول
67.....	دلیل دوم
68.....	دلیل سوم
69.....	دلیل چهارم

- 69..... دلی پنجم
- 70..... دلی ششم
- 71..... دلی هفتم
- 71..... دلی هشتم
- 73..... دلی نهم
- 74..... دلی دهم
- 74..... دلی یازدهم
- 75..... دلی دوازدهم
- 75..... دلی سیزدهم
- 76..... دلی چهاردهم
- 77..... دلی پانزدهم
- 78..... دلی شانزدهم
- 81..... دلی هفدهم
- 81..... دلی هجدهم
- 82..... دلی نوزدهم
- 83..... دلی بیستم
- 86..... اجماع ائمه اربعه بر وجوب پوشیدن چهره
- 86..... اقوال ائمه مذهب حنفی:
- 89..... اقوال ائمه مذهب مالکی
- 90..... اقوال ائمه شافعی مذهب
- 92..... اقوال ائمه مذهب امام احمد بن حنبل
- 92..... نتیجه بحث
- اقوال علماء از اقطار گوناگون عالم اسلامی در رابطه با
- 94..... وجوب پوشش چهره
- 94..... شیخ امیر صنعانی یمنی
- 94..... شیخ ابو الاعلی مودودی پاکستانی

- شیخ محمد علی صابونی از شخصیتهای برجسته و مفسران بزرگ  
 95.....سوره
- علامه محمد امین شنقیطی اهل موری-تانیا  
 96.....
- شیخ محمد یوسف کافی از علمای تونس  
 96.....
- عبدالقادر بن حبیب سندی از علمای سند  
 96.....
- شیخ مصطفی صبری از ترکیه و مفتی دولت عثمانی  
 97.....
- شیخ عبدالرشید بن محمد سخی اهل نیجر  
 97.....
- استاد بانو اعتصام احمد الصراف اهل مصر  
 97.....
- استاد بانو یسریه محمد انور اهل مصر  
 97.....
- شیخ احمد بن حجر آل ابو طامی اهل قطر  
 98.....
- شیخ محمد الزمزمی بن الصدیق اهل مغرب  
 98.....
- شیخ عبدالحلیم محمود، شیخ اسبق الأزهر  
 98.....
- شیخ حسن البنا مرشد جماعت الإخوان المسلمین مصری  
 98.....
- شیخ محمد بن حسن حجوی مغربی  
 99.....
- دکتر محمد سعید رمضان بوطی اهل سوره  
 99.....
- شیخ عیاده الکبسی عراقی  
 99.....
- شیخ محمد زاهد کوثری اهل ترکیه  
 99.....
- شیخ صفی الرحمن مبارکپوری هندی  
 99.....
- استاد زهرا فاطمه بنت عبدالله منی  
 100.....
- استاد بانو کوثر منی اوای مصری  
 100.....
- شیخ أزهر محمد ابوالفضل مصری  
 100.....
- شیخ عبدالرب قریشی ملکیاری کشور پاکستان  
 101.....
- تصمیمی قاطع  
 102.....
- چه کسی ملکه قصر را دیده است  
 107.....
- سه دلیل که مدعیان کشف صورت بدان استدلال میکنند و پاسخ  
 به آنها  
 108.....

- 108..... دلی اول :
- 112..... دلی دوم: داستان زن خنعمی
- 116..... دلی سوم
- 119..... قضیه بی حجابی
- 120..... نقطه آغاز این حرکت
- 122..... روزی دی‌گر
- 122..... شکستن کشتی نجات
- 123..... آتش فراگیری
- 124..... پارگی به حدی رسید که از وصله زدن هم گذشت
- 125..... شیوه‌ها
- 126..... نقطه حرکت



## تقدیم بہ:

- تقدیم بہ توای خواہرم کہ با حجاب و عفت باعث سربلندی پدران و برادارنت ہستی.
- تقدیم بہ توای خواہرم کہ با رعایت حجاب و عفت بازار ہوسازان و ہرزگان را کساد کردہ و خاری در چشم دشمنان حیا و عفت قرار گرفتہ ای.
- تقدیم بہ توای خواہرم کہ با حجاب شرعی وارد دیرستان، دانشگاه و محل کارت می شوی.
- تقدیم بہ توای سرورم، کہ با وجود انواع قتلہ ہا در حفظ کوہر عفت و کسترش آن در میان خواہران مسلمان تلاش می کنی.
- تقدیم بہ توای دخترم کہ شاہدہ ات مارا بہ یاد دختران صدر اسلام می اندازد و یاد فاطمہ و عائشہ رازندہ می کند.
- تقدیم بہ توای مادرم کہ بارہنہ دہای سازندہ ات در تربیت دختران غیور و محجہ، مارا بہ یاد خدیجہ و اسماء و خنا می اندازی.
- تقدیم بہ ہمہ مریبان، مصلحان، مسلمانان غیور، جوانان و پیرانی کہ غیرت اسلامی درک وریشہ آنان می تپد و دمار و پودشان می جوشد.

ام حسان ملازہی

## مقدمه مولف

در جزیره گنج، سارا تفاوت چندانی با دختران هم جنس خودش نداشت، دخت ری زیبا، قامتی مناسب، چهره ای بشاش و از دوران طفولیت در میان هم سن و سالانش استثنایی به نظر می - رسید، مادرش دوست داشت که از هر نظر ممتاز و برتر باشد، این دختر در قلب مادر بسیار ارزشمند بود و از رویدادهای احتمالی برای دخترش می ترسید.

اوضاع و احوال در جزیره ی گنج فرق چندانی با سایر سرزمین های اسلامی نداشت، مثلاً زمانی که مسیر خ یابان را می پیمودی، مساجد را با شکوه می دیدی، مسلمانان با یکدیگر خوشرو بودند و فضای خیابانها و بازارها آکنده از طروات و زیبایی دینی و ایمانی بود.

سینه مردان مومن، سرشار از غیرت و مردانگی بود، هیچ مردی جرات نمی کرد، به آبروی زن مسلمان تعرض کند . در خیابانها، ماشینها و اتوبوس های عمومی، زنان آنان نیز با چادر حیا خود را مزین نموده و بر همین شیوه زیبا پرورش یافته بودند . بیشتر زنان پایبند حجاب شرعی بودند و خود را از نگاه های نامحرم محفوظ می داشتند.

در این جزیره عالمی معروف بود که هم مردم او را می شناختند. حکام، امرا و بزرگان وی را دوست می داشتند. و در نزد مردم دارای مقبولیت بود که همه بر رأی و اجتهاد او عمل می کردند، وی عالمی متقی و بزرگواری بود . در

سرزمین گنج، هر گاه تلویزیون را روشن می کردی، زن خواننده ی را نمی دیدی که شعر : ای شب، ای چشم، و غیره بخواند، در ویدئو کلیبها رقاصی را نمی دیدی که موهایش را فر و مش کرده، یا آبروانش را کنده و لبانش را با انواع ماتیکها رنگ آمیزی کرده باشد.

در جزیره گنج، مجری زن در برنامه های تلویزیون نمی یافتی و زندگی در این جزیره زیبا و آرام بخش بود و مردم در مسائل دی نی با یکدیگر اختلاف نداشتند، هرگاه عالم و مفتی فتوا می داد، مردم فتوایش را با کمال میل می پذیرفتند و از او راضی می شدند. زمانی که امام جمعه برای خطبه و سخنرانی بر میخواست، مردم نصایح او را با جان و دل می پذیرفتند. و تاثیرات بیرونی که بتواند صفا و صمیمیت آنها را در هم بشکند بدانجا راه نیافت - بود. به جز فراخوان های خاموشی که از زبان های افرادی که شیوه ی زندگی دیگری را چشیده و با تفکر و ایده های دشمن ارتزاق می کردند.

آری! بعضی از رسانه هایی که بذر فساد را آبیاری می کردند از قبیل : مجله ها و شبکه های مبتذل ماهواره ای موجود بود، اما تاثیر شان بسیار اندک بود، حتی می توان گفت بسیار سطحی بود. سالها گذشت و وسایل ارتباط جمعی گسترش پیدا کردند، و پخش برنامه های زنده به جزیره گنج اضافه شد و این رسانه ها فرهنگهای بیگانه را که دارای هی - چ مه - ار دینی و مردان - گی نبودند، به این مردم پاک سرشت منتقل می کردند.

اهالی پاک فطرت جزیره گنج ملتهایی را مشاهده می‌کردند که مانند چارپایان و بلکه بدتر از یک آنها، زندگی می‌گزراندند. هدفشان فقط خوردن و نوشیدن و خوابیدن بود، نه از نماز و روزه خبری بود و نه از محافظت چشم و از حیا و غیرت‌نشانی.

زنان پاک دامن جزیره گنج، زنان دیگر ملتها را مشاهده می‌کردند که به ظاهر کردن صورت خویش اکتفا نکرده، بلکه ساق‌ها و پاهایشان را نیز لخت می‌کردند و حتی هیچ شرمی نداشتند که هر قسمتی از بدن خود را عریان کنند. عالم جلیل‌القدر این جزیره در میانشان فریاد می‌زد: از خدا بترسید و از تقلید چنین زن‌های هرزه‌ای دوری گزینید، به دین و دیانت خویش متمسک گردید.

او بیشترین توجه خویش را روی زنان معطوف کرده بود و چنین می‌گفت: خواهر مسلمان، حجاب و پرده‌ات را پاره نکن، تو گوهر گران‌بهای هستی، هر کس لیاقت ندارد به سوی تو بنگردد. تو ملکه و بانوی ما هستی، تو مادر و خواهر، دختر و همه چیز ما هستی.

آن عالم ربانی دامن آن‌ها را می‌گرفت تا از پرتگاه هلاکت نجات دهد. سایر علما نیز در اجرای این مسئولیت کوشا بودند، از قبیل:

اجرای برنامه‌های رادیویی، تلو‌ی‌زیونی، خطبه‌های روز جمعه، پخش کتاب‌ها و نوار کاست‌ها و...

آنان می‌ترسیدند که کشتی غرق نشود، مردم نیز سخنان آنان را می‌پذیرفتند و آن‌ها را

دوست می داشتند. سالها به همین منوال گذشت و این علمای دلسوز یکی پس از دیگری به سرای آخرت رحلت می کردند، و علمای دیگر بر سر کار می آمدند و این روش مبارک را ادامه می دادند و کشتی را از غرق شدن و وی رانی صیانت می کردند.

دشمنان از سوی دیگر فریاد بر می آوردند: ای مردم! به سوی ما توجه کنید، ما در خوشی و سرور به سر می بریم، اینجا پسر و دختر با هم در ارتباط اند، مرد از اندام زن بهره می برد. در همه جا به زنان بنگرید. آنان در سواحل دریاها از هوای زیبای ساحلی لذت می برند. زنان را در هواپیماها ببینید که از آزادی ای که به آنان داده شده بهره می برند و به خدمت مسافران اشتغال دارند. زنان را در رستوانهای بنگرید که چگونه اعضایشان را نمایان کرده و به کار و تلاش می پردازند.

این فراخوان های منفی به گوش زنان جزیره گنج می رسید، اما آنها توجهی به این تبلیغات نمی کردند؛ زیرا مبلغ این برنامه ها را آدمهای سبک مغز و نادان می پنداشتند.

زنان پاک سرشت این جزیره، از کودکی بر این اساس پرورش یافته بودند که زینت و آرایش خویش را در مقابل مردان نامحرم ظاهر نکنند، حتی اگر به طور اتفاقی، سر انگشت شان در مقابل فرد اجنبی آشکار می شد، دچار اضطراب می شدند، پس چگونه چنین زنانی چهره ی خویش را

ظاهر می‌کنند و عبا و پوشش اسلامی خویش را دور می‌اندازند؟! کلا و حاشا!

### شکستن امواج

دشمن متوجه گردید که روش های پیش گرفته ، برای افساد جامعه و بی حجابی، راه به جایی نمی‌برد و دریافت که رویارویی با این جنبش فایده‌ای ندارد. لذا دست به شکستن امواج آرام کرد. یعنی، یک بسته هیزم را نمی توان شکست؛ اما اگر آنها را از هم جدا کنیم، می توانیم یکی یکی آنها را بشکنیم.

آنها توجه خود را در آغاز به سوی سبک و طرح عباها و چادرهای بلند و گشاد زنان محجبه کردند، چادرهایی که هر گاه زن راه می رفت، زینت و آرایش او اصلا دیده نمی‌شد، پس شروع به تاویل و توجه کردند . در آغاز گفتند : ما معتقد نیستیم که شما عباى خود را از سر بیرون کنید؛ بلکه منظورمان این است که طرح عبایتان را تازه کنید.

طراحان لباس شروع به دوختن انواع م تفاوتی از عباها کردند که از عبا های قبلی تنگتر بودند، اما اسم عبا بر روی آن قرار داشت و با پوشش آن به جذابیت زن اضافه می گشت، به جای اینکه عبا برای پنهان کردن زیبایهای زن باشد، خودش مبدل به زینت و آرایش گشت . در نتیجه مقداری دشمن از نتیجه کارش مسرور و شادمان شد و احساس کرد که موج در حال شکستن است.

بنابراین، آنان به دوختن انواع عبا‌های جدیدتری اقدام کردند، عبا‌هایی که فقط شانه‌ها را می‌پوشاند و انواع دیگری که به بازوها و اطراف بسته می‌شدند.

اندک اندک چنان عبا‌های تنگ و فشرده ای دوخته می‌شد که تمام اندام زن را نمایان می‌کرد، حتی با وجود پوشش عبا توجه بیشتری بر روی زن می‌شد تا آنکه عبا را از سرش می‌کند و جدا می‌کرد.

در این هنگام اضطراب و پشیمانی جامعه را فرا گرفت، کشتی نجات در حال غرق شدن بود، مصلحان جامعه سکوت نکردند؛ بلکه علما فتواهای شدید اللحنی در رابطه با این پوشاک‌ها صادر کردند و منابر را با سخنرانی‌های کوبنده به لرزه درآوردند. داعیان در هر جا به نصیحت و موعظه پرداختند و مردم را از پوشیدن این گونه چادرها می‌ترسانید و از عواقب سوء این جریان بیمناک بودند، چرا که با پوشیدن این نوع پوشاک‌ها، زینت زن ظاهر بود، آن زینتی که خداوند دستور به ستر آن داده است.

حرمت این گونه لباس‌های تنگ و نازک که اعضای زن را نمایان می‌کرد برای هر شخص مومن و خردمند واضح و مبرهن بود، سرانجام پوشیدن اینگونه پوشاک‌ها کم شد. حتی بسیار اندک گردید. و زنان مومنه و محجبه مانند سابق به پوشیدن لباس‌های بلند و مناسب روی آوردند، هر

چند که اندکی از زنان سهل انگار پوشیدن این عباها را رها نکردند.

باز دشمنان متوجه این موضعگیری علما و مصلحان شدند و دریافت ند که آنان در راستای نابودی حجاب و ترویج اختلاط زن و مرد خود را خسته کردند و هزاران زن از این تفکر و نظریاتشان متأثر شدند، ولی ناگاه دعوت گر بلیغی بر سر کار آمده و چنان آیات صریح و احادیث کوبنده ای را نقل نمود که زنان مؤمن همه توبه کرده و از گذشته خویش ناد م گشتند. هنگامی که مفسدان دیدند که زنان به یکدباره تائب شدند، دست به دندان گرفته و اینگونه نجوا می‌کردند: افسوس ما زیان کردیم.

آری، آنان فهمیدند که دین در اعماق دل ها جا دارد، زن مسلمان اگر چه روزی در امور دین سهل انگاری کند و در حجاب سستی کند، اما با شتاب به سوی حجاب و عفت باز می گردد؛ زیرا درون زن پاک دامن از گنج ناب است و با م س کردن بر روی طلا، غبار از روی آن پاک شده و درخشندگی و لمعان آن باز می گردد، بنابراین، پس از اندیشه‌هایی طولانی فاجعه بزرگ روی داد.

### مسأله اختلافی

هواپرستان بیکار نشستند، بلکه صفح ات تاریخ را ورق زده و به دنبال مسائلی گشتند که چگونه حجاب در دیگر سرزمینهای اسلامی از بین رفته است. آنان دریافتند که کار از کشف و ظاهر کردن چهره آغاز شده است، لذا وقتی این تبلیغات گسترش یافته و کشف چهره در میان



مسلمانان یک امر عادی تبدیل شده است، چهره و صورت زن با انواع رنگ آمیزی‌ها به نمایش در می‌آمده است و حجاب به رنگ های متفاوتی خودش را به نمایش گذاشته و صورت به زیباترین حالت در می‌آمده است، پارچه‌هایی که برای حجاب بود با انواع دوخت ها و مدل های زرکاری و زری دوزی و گلدوزی آراسته شده و به زیبایی چهره افزوده است. از این رو ابتدا صورت را ظاهر می‌کردند و به تدریج پیشانی و به دنبال آن موهای جلوی پیشانی را نیز ظاهر کردند. بدین ترتیب به اجرای نقشه هایشان در جزیره ی گنج پرداختند.

زنان جزیره ی گنج چهره هایشان را از نگاه نامحرم می‌پوشانیدند، اما در لابه لای شبکه‌های ماهواره‌ای و سایر وسایل ارتباطی و از بعضی از مجلات و روزنامه‌ها گاه گاهی چنین مطلبی به چشمشان می‌خورد: «در واقع پوشیدن چهره زن واجب نیست و برای زن جایز است که چهره اش را نمایان کند. علمایی نیز به جواز کشف چهره فتوا داده‌اند و این یک امر اختلافی است.» سپس این منوال ادامه پیدا کرد و افرادی فتاوایی صادر کردند که زن می‌تواند وارد بازارها و خیابانها شود بدون اینکه چهره اش را بپوشاند و هر کس اختیار دارد که به صورت، چشم ها و زیبایی گونه ها و نازکی لب هایش خیره گردد و همه ی اینها جایزند و در حکم امر خداوند که

می‌فرمایند: «ولا یبدین زینتھن»<sup>1</sup> داخل نمی - باشند.

### و اما داستان ما

سارا از دخترانی نبود که نسبت به حجاب خویش بی‌توجه باشد، بلکه همانند ملکه ای در قصرش با افتخار و مباحات زندگی می‌کرد و به حجابش افتخار می‌کرد، همگی از شخصیت و استقامت بالای وی در شگفت بودند. هر صبح طبق معمول خیابان را شلوغ می‌دید و در میان این ازدحام، خواهران مسلمانان را نیز می‌دید که پرده حجاب را از محاسن صورت شان برداشته بودند.

همواره سارا این صحنه‌ها را در مسیر مدرسه - اش مشاهده می‌کرد، اما از طرف دیگر بسیاری از دانشجویان زن بودند که چه ره و تمام بدنشان را می‌پوشانیدند، بعضی‌ها چهره‌هایشان را نمایان می‌کردند، و برخی فقط عبا‌هایی می‌پوشیدند که مانند مانتو بود، او بعضی از پسران هرزه را می‌دید که دور و بر این دختران جمع می‌شوند، تا بعضی از آنها را در دام خود شکار کنند! سارا در مسیرش همه ی اینها را می‌دید و این صحنه‌ها از جلوی دیدگانش عبور می‌کرد، در حالی که حجاب کاملی بر تن داشت و کسی جرات نمی‌کرد به وی سخنی رکیک بگوید یا شماره تلفنش را به او بدهد، دارای چنان ابهت و وقاری بود که گویا فرشتگان از او مراقبت و پاسداری می‌کردند.

<sup>1</sup> - [نور: 31]

### در بیمارستان

مادر سارا نهمین ماه حاملگی را پشت سر می گزراند. همه اهل منزل منتظر مسافر کوچلو بودند که به دنیا پا می نهد و مشتاق دیدن این خردسال بودند، وقتی مادر سارا درد زایمان را احساس کرد، به بیمارستان منتقل شد و پسر بچه ای زیبا به دنیا آورد، عصر آن روز سارا به همراه پدر به ملاقات مادرش در بیمارستان رفت. افراد زیادی در بیمارستان به ملاقات بیمارانشان می آمدند و سلامتی شان را با تمام وجود احساس می کردند و می فمیدند که دارای چه نعمت بزرگی هستند که اهل بیمارستان از آن محروم می باشند، همه اتاقها پر از بیمار بود، یکی در اثر تصادف و دیگری در اثر مشکل قلبی، و زن دیگری به خاطر بیماری زنانه مراجعه کرده بود. خلاصه این که بیماران متفاوتی یافته می شد.

سارا به اتاق مادرش رفت، آنجا چهار مادر همانند او بودند که تازه فرزند به دنیا آورده بود. نگاه سارا در میان ملاقاتی ها به دختر باوقاری افتاد که آثار ذکاوت و ادب در او نمایان بود. آن دختر عبای گشادی پوشیده بود که بر روی آن هیچ نوع تزئینی مشاهده نمی شد، اما چون چهره اش نمایان و همانند بدر کامل، روشن و زیبا بود و همه مردم، اعم از ملاقات کنندگان، پرستاران، پزشکان و... وی را می دیدند

سارا از این صحنه متحیر شد که چطور این دختر زینت خود را نمایان می‌کند در حالی که خداوند به صراحت فرموده است: **«ولایبدین زینتهن»<sup>2</sup>** ، «و زینت خویش را (همچون سر و صورت، سینه، بازو، ساق، گردن، خلخا، گردن بند، بازوبند) نمایان نسازند،» سارا با جسارتی که داشت با کمال ادب و احترام به سوی آن دختر رفته و سلام عرض کرد و فهمید که اسم این دختر «اریج» است و برایش معلوم شد که خواهر اریج مادر شده و به ملاقات مادرش آمده است. لذا برایش دعای خیر نمود و با کسب اجازه از اریج رشته سخن را چنین آغاز کرد: من یک حرف خصوصی با شما داشتم ، آیا مایل هستید در اتاق مجاور با همدیگر گفتگویی آرام داشته باشیم.

دو دختر به آرامی به آن اتاق رفته و میانشان گفتگوهای مختصری رد و بدل شد و در خلال این سخنان سارا فهمید که اریج کتابها و مجلاتی را که در مورد آزادی زن نگاشته شده اند بسیار مطالعه می‌کند، کتابهایی که در قالب آزادی زن، وی را به برهنگی و بی‌حجابی می‌کشاند و زن را بسان برده ای می‌نمایاند که باید آزاد گردد. بحثی طولانی میان سارا و اریج شکل گرفت.

### گفتگوی سارا و اریج

سارا اینگونه شروع کرد: خانم! آیا شما می‌دانید که خداوند متعال زن و مرد را از دو

<sup>2</sup> - [نور:31]

جنس، از نوع انسان آفریده و خداوند چنین می-فرماید: «وانه خلق الزوجین الذکر و الانثی»<sup>3</sup>، «و این که او است که جفتهای نر و ماده را می آفریند.»

خواهرم! زوجین وابسته به یکدیگرند، و هیچ کدام از دیگری بی نیاز نمی باشد و هر دو در چرخاندن چرخه زندگی شریکند

آری، زن و مرد در عما رت و آبادانی دنیا با یکدیگر شریکند، عموم مسائل دین میان زن و مرد فرقی ندارد. در اجرای مسولیت همه شریک و برابرند. رسول خدا p همانگونه که مردان را مورد خطاب قرار داده اند، زنان را نیز خطاب کرده اند، با زنان و مردان برای داخل شدن در اسلام بیعت گرفته اند و در هنگام نماز زنان و مردان را امامت کرده اند، مردان و زنان را فتوا دادند، و نیز زنان و مردان به ایشان رأی و نظر داده و آن حضرت p می پذیرفتند.

در این لحظه اریح با صدای بلند فریاد زد: رسول خدا p مشورت زنان را قبول می کرد، حال آن که حضرات ابوبکر و عمرؓ موجود بودند؟

سارا جواب داد: به ام سلمه گوش فرا بده که با مشورت ایشان مشکل بزرگی حل می گردد، امری که نزدیک بود لشکری از پای در آید و همه اینها در زمانی دور از عصر حاضر بوده که امروز افرادی به گمان خود از حقوق زن دفاع می کنند.

<sup>3</sup> - [نجم: 45]

سارا: هنگامی که رسول خدا p به قصد عمره عازم سوی مکه مکرمه شدند، هزار و دویست نفر از اصحاب بزرگوار جهت ادای عمره ایشان را همراهی می کردند، این جریان قبل از فتح مکه بود، اهل مکه که مشرک بودند از ورود آنان به مکه و ادای عمره جلوگیری کردند، به هرکس که میخواستند اجازه ورود می دادند و هر کس را که نمیخواستند، منع می کردند.

آن حضرت p به همراه یاران گرامی اش فقط برای ادای عمره آمده بودند و قصد جنگ و یا چیز دیگری نداشتند. مردم قریش، مسلمانان را از ورود به مکه باز داشتند. در آغاز امر آن حضرت p اراده نمود که با زور و قدرت متوسل شود، سپس از تصمیم خویش صرف نظر نموده و به اینکه میانشان صلح نامه ای نوشته شود موافقت نمودند.

قریش افرادی را برای گفتگو در رابطه با بندهای صلح میان دو طرف فرستاد. سهیل بن عمر آمد تا در رابطه با مفاد صلح گفتگو کند. آن حضرت p کاتب را فرخواند و فرمود: بنویس: «بسم الله الرحمن و الرحيم» سهیل اعتراض کرد و گفت: «رحمن» کیست که از آن اسم می بری؟ ما او را نمی شناسیم، بنویس «بسمک اللهم» سپس آن حضرت p فرمود: این عهدنامه ای است که «محمد رسول الله p» به آن صلح نموده است.

باز سهیل از روی اعتراض گفت: اگر ما تو را به عنوان پیامبر خویش می پذیرفتم تو را از

ورود به بیت الله باز نمی داشتیم و با تو نمی - جنگیدیم، بلکه این طور بنویس: محمد بن عبدالله.

آن حضرت p فرمود بنویس: به این شرط که اهل مکه بگذارند که ما خانه خدا را طواف کنیم. سهیل گفت: برای اینکه عرب ها بر ما عار نگیرند که ما تحت فشار قرار گرفته ایم. پس از سال آینده به شما اجازه عمره داده می شود. آن حضرت p هم به همۀ بندهای قرار داد موافقت نموده و آنان را کتباً قبول کردند. سهیل به این راضی نشد و خ واست عرصه را بر مسلمانان تنگتر کند.

لذا این شرط را افزود: اگر مسلمانی از مکه به قصد مدینه بیرون شود؛ باید بازگردانیده شود؛ اما اگر شخصی از مدینه به سمت مکه قصد نموده و از دین اسلام مرتد شود در مکه از او استقبال می شود. مسلمانان در اعتراض و مخالفت این بند گفتند: شخصی مسلمان شده و به ما بپیوندد او را به سوی کافران بازگردانیم؟! سبحان الله! چگونه به سمت مشرکان بازگردانیده می شود؟ اما آن حضرت p این بند را پذیرفتند، اما فرمود: آن کس که از میان ما مسلمانان به سوی آن ها بازگردد خداوند او را دور گردانیده و سپس سکوت نموده و در فکر فرو رفت.

رسول خدا p با قریشیان صلح نمود برای این - که مسلمانان امسال به مدینه منوره بازگردند و سال آینده عمرۀ قضایی خویش را انجام دهند.

مسلمانان با لباس احرام آمده بودند تا عمره را ادا کنند؛ اما زمانی که قریشیان آن - ها را بازداشتند برایشان یک ضربۀ روحی بود. چون که رسول اکرم  $\rho$  از نوشتن معاهده فارغ شد و به سوی یارانش روی کرده و دستور به ذبح قربانی‌هایشان کرد. حیواناتی از قبیل گوسفند و شتر جهت قربانی قربانی آورده بودند تا پس از ادای عمره آن‌ها را بکشند و همچنین یاران خویش را دستور به تراشیدن موها نمود.

مسلمانان حیرت زده شدند؛ زیرا همۀ این امور پس از ادای عمره انجام می‌پذیرد، قلبهای این بزرگواران هنوز مشتاق زیارت خانۀ خدا بود، به همین علت از انجام امر نبوی تاخیر کردند به امید آنکه به درخواست ایشان برای ورود به مکه مکرمه و اجرای مناسک عمره توجه شود، اما پذیرفته نشد. آن حضرت  $\rho$  به یارانش می‌نگریست و منتظر بود تا دستورش اجرا گردد؛ اما کسی برنخواست. مجدداً دستور خویش را تکرار نمود، اما باز هم کسی برنخواست. رسول گرامی  $\rho$  به خشم آمدند و به نزد همسر بزرگوارش، ام سلمه  $\tau$  که با کاروان همراه بود، رفته و برای این بانوی بزرگوار شرح داد که با پیروانش دچار این مشکل گردیده است؟!

ام المؤمنین ام سلمه  $\tau$  فرمود: ای رسول خدا! شما می‌خواهید از دستورتان اطاعت کنند؟! به سوی ایشان برو و با کسی حتی یک کلمه سخن نگو! قربانیات را ذبح کن، و دستور بده



موهایت را حلق کنند . آن حضرت p عیناً مشورت همسر گرامی‌اش را اجرا نمود . با مشاهده این واقعه ، صحابه کرام یکی پس از دیگری برخاسته و قربانی‌هایشان را ذبح نمودند و موهایشان را تراشیدند .

ببین ای اریح چطور یک زن به خودش اعتماد به نفس داشت و با این تدبیر عالی، خود را حقیر نپنداشت، بلکه چاره ای اندیشید، و هیچ کدام از اصحاب ۷ او را تحقیر نکردند؛ بلکه بر مشورت او عمل نموده و آن اجرا کردند . در این لحظه اریح گفت : به خدا که این سخن بسیار زیبا و جالب است .

### برابری

به داستان خود باز می گردیم ، اریح داشت می‌گفتم خداوند در میان دو جنس زن و مرد در هر چیزی مساوات را رعایت نموده است مگر آن مواردی که طبیعت و سرشت زن و مرد با یکدیگر فرق دارند . خداوند متعال در رابطه با مردان می‌فرماید : **«إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ»**<sup>4</sup> ، «همانا مردانی که با تو بیعت می کنند .» و در مورد زنان چنین می‌گوید : **«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ»**<sup>5</sup> «ای نبی خدا ! آنگاه که زنان مؤمنه به نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند...»

<sup>4</sup> - [الفتح: 10]

<sup>5</sup> - [الممتحنة: 12]

و در رابطه با اجرای مسئولیت در خانه نیز مساوات رعایت شده آن جا که رسول اکرم  $\rho$  می-فرمایند: «مرد مسئول است در قبال خانواده اش، و زن نیز مسئول است در قبال خانه شوهر و فرزندان اش، همگی شما مسئولید و از همه شما در رابطه با زیر دستانان سؤال خواهد شد»<sup>6</sup>

همچنین در میان زن و مرد در اجرای احکام و عبادات شرعی مساوات را برقرار نموده است که همانند همدیگر دستور به اجرای آن شده اند. به عنوان مثال: نمازهای پنج گانه هم بر زن و هم بر مرد فرض شده است، روزه ی ماه مبارک بر هر دو جنس لازم است، زکات و حج بیت الله الحرام نیز به همین صورت. حتی خداوند برای زنان در بسیاری از این احکامی که ذکر شدند تخفیف قائل شده است، به عنوان مثال در ایام حیض و نفاس، نماز و روزه را از ذمه زن ساقط نموده است.

همچنین هر دو جنس در عمران و آبادی جامعه موظفند تا با تلاش و کوشش خویش، جامعه را به سوی رشد و ترقی سوق دهند. چنان که خداوند می-فرمایند: «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ»<sup>7</sup>، «در اطراف زمین راه بروید و از رزق خداوند ارتزاق نمائید». در این آیه خطاب خداوند به زن و مرد است و هر کدام از زن و مرد در انجام طاعات و عبادات گوناگون شریعت، مأمور و مسئول اند.

<sup>6</sup> - متفق علیه.

<sup>7</sup> - [الملك: 15].

چنانکه خداوند می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>8</sup> ،

«مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار خدا را یاد می کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است.»

و نیز هر دو جنس دستور داده شده اند تا از دستور خدا و رسولش اطاعت و پیروی نمایند :

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ»<sup>9</sup> ، «هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد).».

<sup>8</sup> - [الأحزاب: 35]

<sup>9</sup> - [الأحزاب: 36] .

این را بدان که زنان صالحه در اطاعت و بندگی خداوند و اطاعت کردن و عمل کردن به دین، بهترین نمونه ها را ارائه داده اند و برای تقرب به ذات الهی و جلب رضایت و محبت ذات یگانه، تکالیف و سختیها را تحمل کرده اند.

### شیر زنان

سارا سخنانش را اینگونه ادامه داد : اریج، برایت جریان یکی از کلاس های حفظ قرآن که ویژه ی خواهران است، را تعریف می کنم که یکی از مدیران ایشان برایم گفته است، وی می گوید: هنگامی که ما کلاس حفظ قرآن را افتتاح کردیم، ساختمان، مقداری از سطح خیابان بلندتر بود و نیاز به درست کردن پله ای بود، تا به داخل ساختمان بروند، دختران طلبه به راحتی می توانستند ایاب و ذهاب کنند . روز اول برای ثبت نام در نظر گرفته شده بود. من با مشاهده پیر زنی که وارد ساختمان شد، شگفت زده شدم! دخترش، او را با ویلچر آورد تا اینکه به درب ساختمان رسید و چون وجود پله ها مانع از حرکت ویلچر شد، پیرزن نگاهی به دختر و ویلچر کرد و پس از آن با کمک دخترش از ویلچر پیاده شد و وارد ساختمان گردید و اسمش را در لیست کسانی که برای شعبه ی حفظ ثبت نام می کنند نوشت، و باز به همان صورت بازگشت.

من از برخی از دختران شنیدم که در رابطه با این پیرزن چنین می گفتند: حدود 15 سال پیش برای ایشان حادثه وحشتناکی رخ داده به گونه -

ای که او را زمین گیر و فلج کرده و به روی تخت انداخته است و تمام بدنش را مجروحش و به سبب اینکه زمین گیر بوده گوشت بدنش آب شده است، به گونه ای که جز با کمک دخترش نتوانسته بدنش را تکان دهد، اما عقل او سالم بوده و قلبش همانند قلب یک انسان مؤمن زنده بوده است. لذا به این فکر افتاده که با این حال به اسلام خدمت کند. راهکارهایی یافته تا با این شیوه ها به دین اسلام سود و فایده برساند. تا جایی که برایش مقدور و میسر بود از آن چه در اختیارش بود به کار گرفت ....! می دانی چکار کرد؟! در قدم اول خانۀ مسکونی اش را پایگاهی برای کمک به خانواده های نیازمند قرار داد و استقبال مردم به خوبی گرم بود دیری نگذشت که حیاط منزلش مملو از کمک های مردمی بود که به او تقدیم می کردند و پل ارتباطی میان خانواده های نیازمند و خیرین بود و کمک ها را به آن ها ارسال می کرد، چه بسیار گرسنگانی که به ذریعۀ این پیر زن فلج سیر شدند.

**اقدام دوم این پیرزن مؤمن :** در حین فرستادن کمک به خانواده های نیازمند، برای آنان کتاب یا نوار کاستی نیز می فرستاد که مطالب مفید و سودمندی در آن بود و برای این افراد مسابقاتی در نظر می گرفت که در غالب موضوعات کتاب و نوارها بود تا آن ها موظف به شنیدن و خواندن آن ها باشند.

**اقدام سوم :** زنانی که از راه هدایت به دور بودند را رها نمی کرد و بی توجه نبود؛

بلکه با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کرد و آن‌ها را نصیحت می‌نمود.

**اقدام چهارم :** از طریق تماس با افراد معتمد و علما و مؤسسات خیریه در حل مسئله ازدواج دختران و زنان بی‌شوهر تلاش می‌کرد تا بتواند مورد مناسبی برای ایشان پیدا نموده و به خانه بخت راه یابند.

**اقدام پنجم :** در حل اختلافات خانوادگی و زناشویی مشارکتی فعال داشت.

به خدا قسم که او زنی شگفت‌انگیز بود. اریح تمام حواسش به سخنان سارا بود و از آن‌ها بهره کافی را می‌برد و هر آنچه را که می‌شنید، در ذهنش مرور می‌کرد: مساوات میان جنس زن و مرد و... و آنچه را که قبلاً شنیده بود از قبیل این که زن مظلوم واقع شده، حقوقش پایمال شده، بی‌پناه است و... بنابراین، برای تایید سخنان سارا پیوسته می‌گفت :

عالیه، عالیه.

سارا در ادامه افزود : اینجا یک نکته حائز اهمیتی وجود دارد : هر زمان که خداوند می - فرمایند : **«یا ایها الناس»** ، «ای مردم» یا وقتی در احادیث نبوی چنین مطالبی را می - خوانیم، به صورت مطلق زنان و مردان همه را شامل می‌شود. خداوند در قرآن عظیم بالغ بر 20 مرتبه در مواضع گوناگون زنان و مردان را با چنین مواردی خطاب نموده است. به عنوان مثال چند نمونه از **«یا ایها الناس»** را ذکر می‌کنم :

1 - (يا ايها الناس اعبدوا ربكم )،<sup>10</sup> «ای مردم پروردگارتان را پرستید».

2 - (يا ايها الناس كلوا ممّا فى الأرض حلالاً طيباً)،<sup>11</sup> «ای مردم! از خوراکیهای زمین، حلال و پاکیزه بخورید».

3 - (يا ايها الناس قد جائكم برهان من ربكم...)،<sup>12</sup> «ای مردم! از جانب خداوند برایتان دلیل و برهان آمده است».

4 - (يا ايها الناس انّى رسول الله اليكم ...) (13)، «ای مردم! من رسول خدايم که به سويتان فرستاده شده ام».

5 - (يا ايها الناس انّا خلقناکم من ذکر و أنثى...)،<sup>14</sup> «ای مردم! ما شما را از دو جفت نر و ماده آفریدیم».

بله اینطور است، خداوند زنان و مردان را عموماً با یک کلام صدا می‌زند.

با من به شهر مدینه، شهر پیامبر p سفر کن و به مادرمان، ام سلمه رضی الله عنها بنگر! روزی در منزلش که به مسجد نبوی چسبیده بود، تشریف داشت و سردش بود، و موهایش را شانه می‌زد، در این هنگام شنید که رسول خدا p صدا می‌زد: «يا ايها الناس» به کنیزش گفت: دست

<sup>10</sup> - [بقره: 21].

<sup>11</sup> - [بقره: 168].

<sup>12</sup> - [نساء: 174].

<sup>13</sup> - [اعراف: 158].

<sup>14</sup> - [حجرات: 13].

نگه‌دار ! آماده شد تا به مسجد برود، کنیز گفت: رسول خدا p مردان را صدا زد نه زنان را. ایشان گفت: من در کلمه «ناس» داخل هستم. اریج: بسیار خُب سارا ! اجازه می‌دهید یک سؤال بپرسم؟

سارا: یک لحظه، یک مطلب کوتاه در رابطه با مساوات در ذهنم آمد دوست دارم این را هم بشنوی

اریج: بفرما.

سارا: همانگونه که زن و مرد در اجرای دستورات و واجبات برابر هستند، در دریافت پاداش نیز مساوی‌اند. خداوند می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>15</sup> «هر کس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، بدو (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی می‌بخشیم و (در آن دنیا) پاداش (کارهای خوب) آنان را بر طبق بهترین کارهایشان خواهیم داد.»

و نیز می‌فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ»<sup>16</sup> ، «آن گاه پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد - خواه زن باشد یا مرد - ضایع نخواهم کرد.»

<sup>15</sup> - [النحل: 97] .

<sup>16</sup> - [آل عمران: 195] .



و در جایی می فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنْ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا»<sup>17</sup> ، «کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند و کمترین ستمی بدانان نشود.»

و همه احادیثی که درباره فضائل اعمال ذکر می‌شوند، برای عموم مسلمین، اعم از زن و مرد است. به عنوان مثال حدیث: هر کس «سبحان الله و بحمده» را بخواند برایش در بهشت درخت نخلی سبز می‌شود.

و کسی روزانه 12 رکعت سنت مؤکده را با پایبندی بخواند برایش در بهشت خانه ای بنا می‌شود.

و در مسئله جزا و کیفر نیز زن و مرد برابرند: هر گاه حدی از حدود الهی را زیر پا بگذارند، بدون هیچ تمیز و اولویتی عقوبت می‌شوند.

خداوند در رابطه با کیفر عمل زنا می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ»<sup>18</sup> ، «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید.»

در رابطه با کیفر دزدی می گوید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»<sup>19</sup> ، «دست مرد دزد

<sup>17</sup> - [النساء: 124] .

<sup>18</sup> - [النور: 2] .

<sup>19</sup> - [المائدة: 38] .

و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند.».

و در مورد گناه شرک و نفاق می فرماید:  
**«لِيُعَذِّبُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ  
 وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ  
 وَالْمُؤْمِنَاتِ»**<sup>20</sup>، «و سرانجام خداوند مردان و  
 زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را کیفر  
 دهد، و بر مردان و زنان مومن ببخشد.».

خداوند متعال در رابطه با کرامت انسان هر  
 دو را به صورت یکسان، مکرم و گرامی داشته که  
 هیچ کدام را خوار نشمرده و از منزلتش نکاسته  
 است. خداوند سبحان می فرماید: **«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا  
 بَنِي آدَمَ»**<sup>21</sup>، «ما فرزندان آدم را گرامی  
 داشتیم.»

این آیه هر دو جنس زن و مرد را شامل می-  
 شود و خداوند تحقیر مسلمان اعم از زن و مرد  
 را حرام نموده و فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا  
 مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا  
 مِنْهُنَّ»**<sup>22</sup>، «ای کسانی که ایمان آورده اید!  
 نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را  
 استهزا کنند، شاید آنان بهتر از اینان  
 باشند، و نباید زنانی زنان دیگری را استهزا  
 کنند، زیرا چه بسا آنان از اینان خوبتر  
 باشند.».

<sup>20</sup> - [الأحزاب: 73].

<sup>21</sup> - [الإسراء: 70].

<sup>22</sup> - [الحجرات: 11].

## گرامی ترین شما پرهیزگارترین تان است

أریح هم ة حواسش به سخنان سارا بود، و سارا با هیجان و جنب و جوش فراوانی سخن می - گفت، یک لحظه سارا سکوت کرد و به سختی خود را کنترل کرد تا گریه نکند، قلبش آکن - ده از محبت خداون - د بود . چگونه اینها دین ی را مورد اته - ام قرار می دهند که خداوند آن را مشروع نموده و به حد کمال رسانده است، آیا ممکن است خداوند به زن ستم نموده و در حق او اجحاف نماید!

سپس با تمام عزم و افتخار چنین گفت : میزان برتری در میان زن و مرد فقط و فقط در یک چیز و آن هم تقواست . خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»<sup>23</sup>، «ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید . بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است . مسلماً خداوند آگاه و باخبر است.»

آری، گرامی ترین شما پرهیزگارترین است نه قوی هیکل ترین و نه ثروتمندترین ، نه به مردانگی است و نه به پست و مقام، بلکه ب - اساس تقوا و پرهیزگاری است.

أریح با لحنی که آکنده از تأثر بود، گفت: ای کاش اغلب زنانی که فریب این تبلیغات مخرب

<sup>23</sup> - [ الحجرات: 13 ] .

را خورده اند و دم از حقوق زن می زنند، به مفهوم این سخنان پی می‌بردند تا می‌فهمیدند که ذات الله جل جلاله با بندگانش هیچ انتقام جویی و لجاجتی ندارد، بلکه زنان، بندگان الله تعالی هستند، هر کس از آنان می‌تواند به بالاترین مقام بهشت، و حتی به واسطه تقوا از مردان هم سبقت بگیرد.

سارا ادامه داد: راست می‌گویی! علاوه بر آنچه فرمودید، حتی با ازدواج نمودن کرامت هر یک از زن و مرد محفوظ می‌ماند، آن جا که الله تعالی می‌فرمایند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>24</sup>، «و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران ادا بکنند) همان گونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است که (باید همسران ادا بکنند) به گونه شایسته ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد)».

حضرت حکیم بن معاویه  $\tau$  در رابطه با حقوق زنان از رسول الله  $\rho$  پرسید و گفت: ای رسول خدا! حق زن بر ضمه‌ی ما چیست؟ آن حضرت  $\rho$  فرمود: «هر گاه غذا خوردید، به آن‌ها بخورانید، و هر گاه پوشیدید، آن‌ها را بپوشانید» و فرمود: زنان بر ضمه شما حقوقی دارند و شما بر آن‌ها حقوقی دارید.

همچنین فرزندان را به ادا کردن حقوق والدین امر نموده است، حتی حقوق مادر را بیش

<sup>24</sup> - [البقرة: 228].

از حقوق پدر قرار داده است، قرآن می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ»<sup>25</sup>، «ما به انسان دستور می دهیم که به پدر و مادر خود نیکی کند. چرا که مادرش او را بارنج و مشقت حمل می کند،» ابتدا از مادر آغاز نمود و فرمود: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ» و حقوق مادر را از پدر مقدم داشت.

در کتاب صحیحین چنین می خوانیم: مردی از محضر رسول خدا (ﷺ) چنین سؤال کرد: چه کسی به حسن معاشرت در میان ما حق دارد است؟ ایشان فرمود: «مادرت، مادرت، مادرت، سپس پدرت.»

#### حضور مها با پوششی نامناسب

در حالی که بحث آن ها داغ بود، خواهر اریج که «مها» نام داشت، در میان راه روها به دنبال خواهرش اریج می گشت و نمی دانست کجا رفته است. از شیوه پوشش مها مشخص بود که نسبت به حجابش سهل انگار است. لباسی که پوشیده بود بسیار تنگ و چسبان بود، به گونه ای که تمام برآمدگی و فرورفتگی بدنش را نمایان می کرد و به هنگام راه رفتن، شلووار غربی که پوشیده بود ظاهر می شد و توجه حاضرين را به خود جلب می کرد.

مها وارد اتاق استراحت شد و اریج را همراه سارا دید، از نشستن آن دو تعجب کرد. با سلام و احوال پرسی و مصافحه با سارا و

<sup>25</sup> - [الأحقاف: 15].

معرفی کوتاهی که میانشان رد و بدل شد، وارد بحث آنان شد و به گفتگوی آن دو گوش فرا داد.

بحث پیرامون حقوق زن در اسلام همچنان داغ بود. مها نتوانست خود را کنترل کند و با جسارت و صراحت تمام گفت: ای سارا! بعضی زن-ها از مردان باهوش تر و خوش بخت‌ترند، چرا افرادی از قبیل شما می‌خواهند میان زن و مرد فرق قائل شوند و برای هر کدام مرزگذاری کنند که هیچ کدام از این دو جنس شرکت در امور مخالف را نداشته باشد؟! همه‌اش می‌گویید: مرد... مرد... مها در این زمینه بسیار متجب بود و تعجب‌نشان می‌داد و پیوسته همین سؤال را تکرار می‌کرد.

سارا لبخندی زد و گفت: و مدام می‌گویید زن... زن... بسیار خوب مها گوش بده! خواست خداوند بوده که مرد با زن متفاوت باشد. مرد در شکل و ساختار و از نظر جسمی از زن قوی‌تر و از نظر عاطفی ضعیف‌تر است. هر کدام باید در سدد رشد توانمندی خودشان باشند.

مها: چگونه؟

سارا: زن دارای ویژگیهای جسمی خاص خودش است. بیماری‌های زنانه از قبیل حیض، نفاس، درد زایمان، مسائل شیردهی و... برایش تاری می‌گردد و زن از پهلوی چپ آدم آفریده شده نه استخوان سینه که به قلب نزدیک است.

اما مرد موظف است برای انجام شئون خانواده و زن و فرزندان، مراقبت و انفاق کردن برایشان تلاش کند. به همین علت است که

از نظر جسمانی قوی تر آفریده شده است. از آثار و نشانه های اختلاف ساختاری میان زن و مرد، می توان به اختلاف آن دو در توانایی جسمی، عاطفی، تفاوت و برتری در بعضی از احکام شرعی را نام برد.

منظورم تفاوت در ذکاوت و هوشمندی نیست، بلکه منظورم این است که از نظر جسمی توانمندتر و از نظر تحمل سختی های کار و تلاش برای مخارج خانواده نیرومند تر است. و اگر جنس زن توان حمل مسئولیت خرج و مخارج خانواده را داشت خداوند او را مسئول می کرد. مادر مریم علیها السلام تفاوت این مسئله را دریافته بود. از این رو گفت: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى»<sup>26</sup>، «فرزند پسر مانند فرزند دختر نیست».

چنین به نظر می رسد که مها از سخنان سارا قانع نشده بود، از این رو سارا نگاهی به وی انداخت و گفت: مها! معذرت می خواهم، اگر شما معلم یک مدرسه می بودی و می خواستی یک جلسه در مدرسه ترتیب دهی، و قصد داشتی در سالن جلسه چندین وظیفه را انجام دهی، از قبیل: نظافت، برنامه ریزی، نصب اوراق، پاک کردن تخته، شمردن کلمات، و در مقابل تو بیست دانش آموز بود، که هر کدام دارای خصوصیتی متفاوت بودند، در میان شان یکی چاق و تپل است، یکی لاغر و ضعیف، دیگری سخنور، یکی جسور و آن یکی خجالتی و کم رو، تو از میان این

<sup>26</sup> - [آل عمران: 36].

دانش‌آموزان کدام یک را انتخاب می‌کردی تا بر نردبان بالا بروی و اوراق را نصب کند؟ آیا یکی از دانش‌آموزان چاق مناسب کار نیست؟ مها با لبخند جواب داد: مسلماً خیر، بلکه یکی از دانش‌آموزان لاغر و سبک را انتخاب می‌کردم. سارا ادامه داد: کدام یک مناسب نظافت است؟ دانش‌آموز سخنور و جسور، درسته؟ مها جواب داد: خیر! بلکه از او به عنوان مجری جلسه برای خوش‌آمدگویی مهمانان انتخاب می‌کردم، و افراد دیگر را برای کار نصب اوراق و نظافت می‌گماردم.

سارا: بسیار خوب، حال مها از تو می‌پرسم: آیا در این تقسیم‌بندی تو ظلم بر یکی از دانش‌آموزانت می‌شود؟ مها جواب داد: نه، همه کارهایی که انجام گرفته مهم بوده و نوعی تکامل و همیاری محسوب می‌شوند.

سارا: بله همین‌طور است، حالا بالفرض اگر دانش‌آموز چاق اعتراض می‌کرد یا آن یکی که لاغر است معترض می‌شد یا شاگرد لاغر از وظیفه اش راضی نمی‌بود یا سخنور ناراضی می‌شد که تو را در اجرای برنامه‌ها یاری کند تو چه کار می‌کردی؟

مها: من اعتراض هیچ کدام را نمی‌پذیرفتم؛ زیرا قرار دادن مسئولیت بر صاحب آن ظلم محسوب نمی‌گردد.

این‌جا بود که سارا به هدفی که داشت رسید؛ لذا ادامه داد: بسیار عالی! حالا چرا تو مخالف این مسأله هستی که یک سری مسئولیت-



ها مخصوص مرد و یک سری مخصوص زن باشد، هر کدام بنا بر توانایی که دارند موظفند.

در این هنگام مها قا طعانه به سارا گفت :

تو می‌گویی خارج شدن زن از منزل حرام است؟

سارا: با تعجب گفت: من نگفتم حرام است.

أریج: بسیاری از امور هستند که زن هم مانند مرد و حتی بهتر از مرد می تواند انجام دهد.

سارا: حرف شما درست است، اما گوش کن نظرت در مورد زنی که در آپاراتی ماشین ها کار می کند و چرخ های ماشین را جدا کرده و آن ها را باد می کند؟ یا نظرت در مورد زنی که در شهرداری کار می کند و کارش جمع کردن زباله از سطح شهر است، یا زمین را کَنده و خاکروبی می کند، حتی گاهی به جهت مسدود ش دَن جدول ها، داخل آن ها رفته و آشغال ها را جمع می کند، یا نظرتان در رابطه با زنی که در گرمای شدید، روزانه هشت ساعت راننده جرثقیل است و ماشینش را برای بوکسیل کردن ماشین های فرسوده به حرکت درمی آورد و برای حمل و نقل اشیای سنگین و آهن آلات برای ساختمان های مرتفع در تکاپوست، یا در رابطه با زنی که کارش کندن چاه و ساختن پل است، کیسه های سیمان را بلند می کند و از این ماشین به آن ماشین جابه جا می کند، آیا این کارها مناسب زن هستند یا مرد.

در همین میان که سارا مشغول مثال زدن بود، أریج و مها هر از گاهی با لبخندهای

آرامشان گوش فرا می‌دادند که ناگواناه خنده‌ها بالا رفت.

سارا آن‌ها را به آرامش فرا خواند . برای هر شخص عاقلی اعم از مسلمان و غیر مسلمان معلوم و واضح است و می‌داند که این شغلها در خور طبیعت یک زن نم‌ی‌باشد. حتی صاحبان شرکت‌ها هیچ گاه زنان را بر چنین مسئولیت‌های سنگینی نمی‌گمارند؛ زیرا می‌دانند که چنین کارهایی در توانایی آن‌ها نیست. حتی اگر یک زن دست به چنین کارهایی بزند؛ به تدریج اساس زنانگی و لطافت خویش را از دست می‌دهد، پوستش ضخیم و کلفت می‌شود، ماهیچه‌هایش برآمده، و رنگش تیره می‌شود.

اریج و مها اشک‌های خنده‌شان را پاک کردند و سارا مرتب حرف‌هایش را تکرار می‌کرد. اجازه بدهید سخنم را به پایان برسانم. اریج: بفرمایید.

سارا: بسیار خوب ولی خنده نباشد.

مها: باشه، باشه

سارا چنین ادامه داد: در مقابل این مثال‌هایی که شنیدید نظرتان در رابطه با مردی که خانه نشین است و مسئولیت شیردهی بچه‌ها را بر عهده گرفته، آن‌ها را در آغوش خود قرار می‌دهد و اگر بچه گریه کند او را بغل گرفته و نوازش می‌دهد و برایش شعر و ترانه‌های کودکانه می‌سراید تا بچه آرام می‌گیرد و اگر یکی از دخترانش به سن بلوغ رسید، برایش توضیح می‌دهد و از دوران جدیدی که او به آن رسیده سخن می‌

گوید و شب هنگ ام در کنار زنش آرام گرفته ناگاه صدای دزدی را می‌شنود که وارد منزل شده است، بیداد می‌کند و از زنش می‌خواهد تا به این موضوع رسیدگی‌کننده و جیغ می‌کشد و بچه‌ها را جمع می‌کند.

همچنین نظرتان در مورد مردی که ... در این لحظه اُریچ نتوانست جل -وی خنده اش را بگیرد و گفت: فرض می‌کنیم: زن جیغ می‌کشد و مرد به دنبال دزد می‌رود؟

سارا با ذکاوت و تیزهوشی که داشت جواب داد، چرا؟ مگر میان زن و مرد نباید مساوات و برابری باشد؟ هر کدام می‌تواند مسئولیت دیگری را انجام دهند!

مها گفت: جای شگفت است. مگه مرد می‌تواند شیر خشک بچه را فراهم کند! می‌تواند بچه را در آغوش بگیرد و او را شیر دهد و مسائل مربوط به دخترانش را حل کند! پس چیزی باقی نمانده جز این که حامله شود و بچه به دنیا بیاورد؟! اینجا بود که نوبت سارا رسید تا بخندد، آن گاه گوشه چادرش را جلوی دهانش گرفته غرق خنده شد، چون تصور می‌کرد که یک مرد حامله می‌شود؟!!

### تفاوت زن و مرد برای چه

سارا: باز دوباره به بحث مان برگردیم. تفاوت‌هایی که میان جنس زن و مرد وجود دارند به سبب تفاوت‌هایی است که از نظر طبیعت و ساختار هر کدام است و برخی از احکام مخصوص زن است. زن ملکه‌ای است که دیگران به خدمت او

درآمده اند. بر مرد واجب است که برای همسر، دختر، مادر، و همه ی کسانی که تحت کفالت او هستند خرج و هزینه نماید. و نباید در خوراک، پوشاک، و معالجه آن‌ها کوتاهی ورزد، و بر اوست تا خطراتی که گریبان گیر آبرویشان است دفاع کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر آن کس به خاطر حفظ آبرویش کشته شود، شهید است». مردان قیم زنان هستند به خاطر پاسداری، حفظ ارزشها، کسب و کار و دریافت مخارج خانواده و زنان.

و همین است تفسیر آیه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»<sup>27</sup>، «مردان بر زنان سرپرستند، بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتریهایی بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند.».

وظیفه زن نگهداری امور خانه و دفاع از شوهر متناسب با طبیعت وی، و وظیفه مرد پاسداری از امور بیرون و وظیفه زن کنترل امور داخلی منزل است.

بنابر همین علت است که خداوند بسیاری از عباداتی را که بر مرد واجب گردانیده است، آن را از زنان ساقط نموده است. به عنوان مثال:

<sup>27</sup> - [النساء: 34].

بر مردان جهاد واجب و فرض است و شرکت در نماز جمعه، در گرمای تابستان باشد یا سرمای شدید زمستان.

اریج پیوسته می گفت: اما ... سارا... این یعنی ... و چنین به نظر می رسید که در سخنانش متردد است.

سارا گفت: می‌خواهی چیزی بگویی؟

اریج: برخی از تبعیضاتی وجود دارند از قبیل این که چرا سهم زن از میراث نصف سهمیه مرد است؟ آیا در اینجا شریعت اسلام تبعیض قائل نشده است؟

سارا در حالی که قلبش آکنده از محبت خداوند و عظمت خداوند بود، گفت: تو گمان می‌کنی که اسلام با زنان دشمنی دارد؟ خداوند از این کینه توزی‌ها پاک و برتر است! اگر بالفرض این گونه بود، در نمازهای زن تخفیف قائل نمی‌شد. زن رخصت دارد نمازش را ادا کند و در هر ماه چند روزی از خواندن نماز معاف می‌گردد و به خاطر عادت ماهانه ای که برایش رخ می‌دهد خداوند بر زن ترحم نموده و حتی در روزهای فرض ماه مبارک رمضان، افطار کردن روزهای ماهواری را برایش جایز قرار داده است. حتی در ادای فریضه ی حج هر چند که زن ثروتمند باشد مادامی که برایش وجود محرم در سفر میسر نباشد تا در سفر مراقب او باشد این فریضه را از زن ساقط گردانیده است.

اریج: ببین من می‌دانم که خداوند به عدل و انصاف حکم می‌کند و هرگز بر کسی ظلم روا نمی‌

دارد، اما می‌خواهم فلسفه‌ی این حکم شرعی را بدانم که چرا در تقسیم میراث زن و مرد فرق وجود دارد؟

سارا: خداوند هرگز چیزی را بدون حکمت مشروع و مقرر نمی‌کند خداوند، پروردگار بزرگ ماست و نسبت به مصالح بندگان آگاه‌تر است. مثالی برای‌ت می‌زنم: مردی می‌میرد و یک پسر و دختر برجا می‌گزارد و ترک‌ة پدر 150 میلیون تومان است، حالا چه اندازه سهم دختر است و چه اندازه پسر؟

اریج: 50 میلیون سهم دختر و 100 میلیون ارث پسر می‌باشد.

سارا: درسته، پس از مدتی دختر ازدواج می‌کند و مهریه اش 50 میلیون تومان تعیین می‌گردد، حالا کل اموال دختر چقدر می‌شود؟

اریج: 100 میلیون.

سارا: طبق معمول پس از مراسم عروسی به عروس خانم از طرف دوستان و خویشاوندان هدایایی تعلق می‌گیرد که ما جمیع آن را 10 میلیون در نظر می‌گیریم، حالا با این 10 میلیون چقدر می‌شود؟

اریج: 110 میلیون.

سارا: شوهر این دختر برایش جهیزی سنگینی تدراک می‌بیند و اثاثیه منزل خریداری می‌کند و بسیاری از زحمتهای متحمل می‌گردد: از قبیل سفر، هدیه‌های آنچنانی، ولیمه و خرج عروسی و غیر...

اما آن سوی قضیه یعنی پسر، وی به خاستگاری دختری می رود و مهریه 50 میلیونی برایش مقرر می کنند. حالا چقدر باقی می ماند؟  
اریج: 50 میلیون.

سارا: پس از آن داماد اثاثیه و لوازم خانه برایش مهیا می کند و در برپایی مراسم عروسی خرج های هنگفتی متحمل می شود که بالغ بر 60 میلیون است. خوب خانم باهوش! حالا چقدر برای پسر می ماند؟

اریج: با لبخند جواب داد: 10 میلیون مقروض شد.

سارا: البته هنوز این باقی است که مرد وظیفه دارد تا مخارج خانه و بچه ها را بپردازد و خرج مدرسه بچه ها را بدهد. همه این مسولیت ها که گفته شد! هیچ کدام وظیفه زن نیست. اما خواهرش سرمایه 100 میلیونی را در یک پروژه پر درآمد می گذارد و سودهای کلانی از آن به دست می آورد و در عین حال شوهرش موظف است که خرج او و فرزندانش را بپردازد و فیش برق، تلفن و آب نیز بر عهده شوهر است.

بنابراین خانم اریج: سرمایه مردان خرج امور زنان می شود و فرق نمی کند که این زن، مادر باشد یا خواهر و یا دخترش. واقعا همان گونه است که خداوند می فرماید: «ان ربك حكيم عليم»<sup>28</sup>، «براستی پروردگارت دانا و باحکمت است». خداوند در این کلام پر معنی

میان حکمت در شریعت و علم به احتیاجات  
بندگان را جمع نموده است.

آرامش و خشیت خاصی اُریج و مها را فرا  
گرفته بود و در حکمت کارهای خداوند حکیم  
تفکر می‌کردند، فرورفته بودند، خدایا تو را  
سپاس، چقدر نزد ما محبوبی، پروردگارا ! چقدر  
تو حکیمی و نسبت به امور ما آگاهی و عادلانه  
رفتار می‌کنی ! آیا ما در صدد حکمی غیر از  
حکم تو هستیم؟ آیا شریعتی کاملتر از شریعت  
تو وجود دارد؟ ! کجایند کسانی که می‌خواهند  
این حکم خداوندی را از ما بزدایند و جدا  
کنند؟ پناه به خدا . کسانی که می‌خواهند ما  
را از دین باز گردانند گویا دین ویژه مردان  
است و به زنان تعلقی ندارد.

### همانا پروردگار تو، مدبر و داناست

سارا: بر ما لازم است تا به تقسیم  
پروردگار راضی باشیم.

همانطور که بر مردان جایز نیست آنچه را  
که به زنان اجازه داده شده است کنند، از  
قبیل آرزو پوشیدن زیور آلات طلا و نقره و  
پوشیدن لباس ابریشم و ساق ط شدن بسیاری از  
احکام شرعی، همچنین برای زنان نیز لازم است  
که به تقسیم خداوند راضی و خشنود باشند.

برای زن و مرد مسلمان جایز نیست که در  
تفریق‌هایی که شریعت برای هر کدام از زن و  
مرد تخصیص نموده، درخ‌واست کنند.



زیرا این کار سبب نارضایتی الله نسبت به تقدیر وی و راضی نبودن بر دستور و شریعت الهی می گردد. به همین جهت خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»<sup>29</sup>، «آرزوی چیزی نکنید که خداوند برخی از شما را با (اعطای) آن بر برخی دیگر برتری داده است (و مردان را در بعضی از چیزها بر زنان، و زنان را در بعضی از چیزها بر مردان فضیلت داده و مرحمت روا دیده است). مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه به دست می آورند و طلب فضل او کنید. بی گمان خداوند (کاملاً) آگاه از هر چیزی بوده است.»

وقتی ما می خوانیم که خداوند در نص صریح قرآن از ما می خواهد که حتی تمنا و آرزو نکنیم، پس حال و وضعیت کسی که مسائل تفریقی میان زن و مرد را انکار می کند چیست؟ و چه می شود حال کسی که دم از لغو کردن این احکام می زند و ادّعی مساوات و برابری میان زن و مرد می کند آن هم در مسائلی که امکان برقراری مساوات وجود ندارد؟!

به خدا قسم اگر در تمام احکام میان زن و مرد مساوات و برابری برقرار می شد، با درنظر گرفتن این مسئله که زن و مرد در خلقت و

<sup>29</sup> - [النساء : 32] .

توانایی با یکدیگر برابر نیستند، بر هر کدام ظلم می شد.

### پوشش تقوا

مها: به همین جهت خداوند ستر و حجاب را بر زن فرض نموده و به مرد اختیار داده است که هر چه می خواهد بپوشد!!

سارا: نه این طور نیست، مرد هم اجازه ندارد هر چه دلش بخواهد، بپوشد.

مها: چگونه؟ توضیح دهید؟

سارا: ستر و حجاب بر هر زن و مرد مسلمانی فرض است. بر مردان لازم است عورت خود را بپوشانند و از ناف تا زانو برایشان الزامی است که پوشیده باشد، مگر برای همسر و کنیزان شرعی. و شریعت بخاطر پرهیز از انحرافات اخلاقی، کودکان دختر و پسر را اجازه نداده است تا در یک رختخواب به صورت مختلط بخوابند و دستور داده تا جدا از همدیگر بخوابند تا مبادا منجر به برانگیخته شدن شهوت‌های فاسد گردد.

در زمان جاهلیت مردم قریش بصورت برهنه خا‌ة خدا را طواف می کردند، به این پندار که ما با لباس‌هایی که گناه کرده ایم، طواف نمی‌کنیم، تا این که رسول خدا (ﷺ) مکه را فتح نمودند. آن حضرت (ﷺ)، قطعنامه ای شرعی صادر نموده و فرمود: هیچ کس اعم از زن و مرد حق ندارد به صورت برهنه خا‌ة خدا را طواف نماید و هیچ کس اجازه ندارد در حالت لخت و عریان

نماز بخواند حتی اگر در شب و تنهایی باشد و کسی او را نبیند، باید خودش را بپوشاند هم چنین رسول خدا  $\text{p}$  نهی نمود از این که زمانی که تنها باشد خودش را بره نه کند و فرمود: «خداوند سزاواتر است تا از او شرم و حیا شود.»

در احرام پوشیدن زن و مرد نیز فرق وجود دارد، مردان از مزین کردن احرام و لباس که مشبه به زنان باشد، نهی شده اند و هم چنین منع شده اند که شلوار بپوشند، بر عکس زن موظف است که پاهایش را بپوشاند.

خداوند به مؤمنان دستور داده است که به عورت دیگران که بدون قصد ظاهر می شود، نگاه نکنند، یا اگر آرایش زن ظاهر بود به آن ننگرند و حرام کرده است که به آنچه منجر به برانگیخته شدن شهوت می گردد بنگرند، هم  $\text{e}$  اینها آداب شرعی هستند تا آدمی از حرام دوری گزیند هم  $\text{e}$  آن چه گفته شد اموری است که الله تعالی بر عموم زنان و مردان واجب گردانیده است

بنابراین، مرد موظف است که قسمت هایی از اعضایش را بپوشاند و به زن نیز دستور رسیده است تا حجابش را رعایت کند . و مناسبتر است که زن حجابش را رعایت نماید؛ زیرا از نگاه - های گرگ صفتان که به دنبال زینت و زیبایی اوست، محفوظ می ماند. به همین علت خداوند می خواهد تا او زیبایی و زینتش را پوشیده نگه دارد و اندام زیبایش را بپوشاند که اولین آن

پوشیدن صورت است تا کسی نسبت به عفت او تعرض نکند.

أریج: به خدا سوگند این سخن بسیار زیبای ی است.

سارا: به یاد دارم زنی پایبند نماز و عباداتش بود و همسرش او را بسیار دوست می داشت، اما در امر حجاب سهل انگاری می کرد، چهره اش را در مقابل برادران شوهر نمایان می کرد، حتی در جلوه دوستان شوهر، گاهی در حین احوال پرسی دست می داد و مصافحه می کرد، همسرش نسبت به او مشکوک می گردید و در ذهنش سوالات زیادی دور می زد، فلانی در نگاه کردن به زنم چه منظوری داشت؟ چرا با فلانی مصافحه کردی؟ چرا دستت را در دست فلانی تا مدت طولانی گذاشتی؟ چرا برای حرف های فلانی خندیدی؟

مرد احساس می کرد که زنش ، به دیگری دل بسته است. مرد اینطور احساس می کرد که شاه است و همسرش ملکه اوست و کسی حق ندارد در ملک او تصرف داشته باشد.

این زن می گوید : از بسیار بودن مشکلات خانواده ام، چندین بار به طلاق فکر کردم، خیلی خسته شده ام، راه حل چیست؟ یک روز تصمیم گرفتم تا فرمان الهی را در مورد حجاب زن مسلمان اجرا کنم و با مردان مصافحه نکنم و پایبند حجاب شرعی باشم . چهره ام را در مقابل مردان نامحرم پوشانیدم و کسی غیر از همسر و محارم من اجازه نداشت، به من نگاه کند و از اختلاط با مردان بیگانه دوری نمودم .

احساس غُرّه و وقار می کردم . دانستم آن کسانی که با آنها در رابطه بودم، اکنون که می بینند در مقابل آنها حجاب می کنم بیشتر مرا مورد احترام قرار می دهند و این قانون خداوند در مورد زن است. از آن پس میان من و همسرم مشکلی روی نداد . خداوند را سپاس می گویم .

سارا: اُریج! برای همین است که خداوند حجاب شرعی را برای زن واج ب گردانیده است و بدان که خداوند خالق زن است و به امور او آگاه تر می باشد.

#### میدان نبرد

اُریج: علما در مورد حکم حجاب با یکدیگر اختلاف دارند؛ در این مورد که تمام بدن زن پوشیده شود یا دو کف دست و صورتش نمایان باشد.

سارا: مثل اینکه بحثمان دارد داغ می شود؛ زیرا اساس بحث میان ما همین نکته است

اُریج: بله نبرد میان ما داغ است، اما اشکالی ندارد. مطمئن باش من خواهان حقّ و می خواهم مطیع فرمان پروردگارم باشم، پس با آوردن دلایل شرعی مرا قانع کن.

سارا: ادلّه من از قرآن و سنت و دلایل عملی زنان عصر رسول الله ﷺ و زنان عصر خلفای راشدین و زنان فاضله و پاکدامنی است که در قرون متمادی بدان عمل کرده اند تا قرن سوم تاریخ اسلامی، بلکه عمل کردن به این حکم شرعی

تا تقسیم حکومت اسلامی به کشورهای جدا از هم و تا قرن چهارم ادامه داشته است.

اریج: معذرت می خواهم کدام حکم منظورت است؟

سارا: وجوب پوشانیدن چهره . آری، آشکار کردن صورت در سال های اخیر انجام گرفته و به این صورت عام شده است.

اریج: این امر شگفت انگیزی است. برای این سخت دلیل داری؟

سارا: الان برایت ثابت می کنم.

ظاهر کردن صورت، اصلاً وجود نداشته و در میان زنان مؤمنه، پوشانیدن چهره رایج بوده است. این گفته اکثر علمای ماست. من هم آن ادله را از حفظ ندارم، اما در یک کتابچه ای که برای ارشاد و دعوت زنان نگذاشته شده است، موجوداند.

پاره ای از آنها را برای مادرم آوردم تا میان پرستاران توزیع کند. چند لحظه منتظر باشید شاید یک نسخه از آنها را پیدا کنم.

سارا رفت و در حالی برگشت که چند برگه در دستش بود نشست و شروع به خواندن آنها نمود.

دلیل سوم: بعضی از خواهران مسلمان در حجابشان کوتاهی نموده و چهره شان را نمایان می کنند، با وجود اینکه مسلمانان در عصرهای متمادی همواره چهره هایشان را می پوشانیدند. بسیاری از علمای گذشته و حال این امر را ذکر کرده اند.

علامه حافظ ابن حجر (متوفی 852 هـ. ق.) چنین می گوید «همواره شیوه ای زندگی زنان گذشته و حال ما اینچنین بوده است که صورت را در مقابل مردان نامحرم می پوشانند.

امام ابو حامد غزالی گفته است : همواره مردان بدین حالت بوده اند که صورتشان ظاهر و نمایان بوده و زنان ما نقاب بر چهره گذاشته اند.<sup>30</sup>

امام و مفسر، علامه سیوطی مصری (متوفی 911 هـ ق) در تفسیر آیه: **(يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهٍ)** می گوید: این آیه در رابطه با حجاب نازل شده و به پوشیدن سر و صورت حکم می نماید و آنچه بر این ادعا، سند قبولی می نهد، این است که: در رابطه با کشف صورت علمای گذشته تصنیفات زیادی دارند و وقت و تلاش خویش را در این زمینه به خرج داده اند و خود این امر دلالت می کند که ظاهر کردن چهره چیز طبیعی نبوده و علمای عصور بعدی نیاز پیدا کرده اند که در رد کسانی که قائل به جواز نمایان کردن چهره هستند تألیفاتی بنویسند.

پوشش صورت برای زن، عمل موروثی زنان مسلمان در ادوار طولانی تاریخ اسلامی بوده است، حتی تصاویری که در کشور های اسلامی من جمله (ترکیه، مصر، تونس و سوریه) گرفته شده اند کشیده شده است این امر را می رساند که زن مسلمان همواره چهره اش، در حجاب و نقاب بوده است.

<sup>30</sup> - فتح الباری ج 337/9.

همانطور که در کتاب (مکتب عنبر) نوشته قاسمی و کتاب (الظاهر الحداد و مسائل الحداثه) اثر احمد خالد و هر آن کتابی که در رابطه با انقلاب سال 1916 میلادی مصر نگاشته شده است در این رابطه سخن به میان آورده است.

دلیل چهارم: اینکه ...

أریج: سارا! کافیست، سخنان قانع کننده هستند؛ اما ممکن است منظور آنان از حجاب، آن چیزی که ما در صد آن هستیم و روی آن بحث می کنیم، نباشد بلکه منظورشان چیزی دیگر باشد.

سارا: نه این امکان وجود ندارد، حجاب شرعی و شرایط آن واضح و مشخص است. حجاب زن، شامل: پوشانیدن تمام بدن و آشکار نکردن زینت و زیبایی اش است همانگونه که خداوند متعال می فرماید: (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ)<sup>31</sup> «و زینت خویش را نمایان نسازند»

أریج: اما خداوند فقط از ظاهر نمودن زیبایی نهی فرموده است، چنان که در ادامه می فرماید: (إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا)<sup>32</sup>، «مگر آن مقدار که ظاهر می شود.» بنابراین معلوم می شود که ظاهر نمودن صورت و دو کف دست تا مچ اشکالی ندارد!

سارا: چنین نیست خواهرم! منظور آیه دست ها و صورت نیست؛ بلکه استثنایی که در آیه

<sup>31</sup> - [النور: 31].

<sup>32</sup> - [النور: 31].



آمده ( **الا ما ظهر منها** )<sup>33</sup> یعنی همه آنچه که باید پوشانیده شود، اما بدون قصد و اراده ظاهر شده باشد، مانند بلندی و کوتاهی قد، لاغری و چاقی زن و... .

مثلاً اگر باد وزید و چادر زن برداشته شد و لباس و قسمتی از اعضای بدن وی نمایان شد و این کار از روی قصد و عمد نبود، در این صورت بر زن گناهی نیست . به همین خاطر خداوند متعال فرمود : ( **الا ما ظهر منها** )<sup>34</sup> و نه فرمود : ( **الا ما ظهرت** ) «جز آنچه را که زن عمداً نمایان کند»

أریح: سارا، واقعاً کلام شم ا زیبا و منطقی است.

سارا: خیلی خوب، حالا سخنانم برایت جذاب تر خواهد شد.

### پوشش شرعی با چه لباس های صورت می گیرد

حجاب، با چادرهایی بلند و نقاب به معنای پوشاندن است و هر آن چه که با آن سر و گردن و گریبان زن پوشانیده شود. عربها به هر آنچه که بوسیله آن سر و صورت خود را بپوشانی، «خمار» روسری می گویند. و حدیث مشهور ( **خَمَّرُوا أَنْيَتَكُمْ** ) از همین کلمه گرفته شد . یعنی ظروف غذا و آبتان را بپوشانید تا حیوان و چیزی موذی در آن نیفتد. به همین علت به شراب، خمر می گویند؛ زیرا عقل و هوش را می پوشاند.

<sup>33</sup> - [النور: 31] .

<sup>34</sup> - [النور: 31] .

**طریقه پوشیدن روسری :** زن سر و مویش و هر آن چه که در منزل آن را در مقابل محارم ظاهر می کند، بپوشاند و آن را دور و اطراف چهره اش چهره اش بپیچد و با بقیه آن صورت و سینه و گلویش را بپوشاند. اما در خانه اجازه دارد، در مقابل محارم خویش، آرایش، مو، گردن و صورتش را آشکار نماید و هرگاه از منزل خارج شود موظف است تا این اعضا را بپوشاند.

### ویژگی ها و صفات روسری زن محجبه

پوشاک زن به گونه ای نازک نباشد که موها و صورت، و یا گوش و گردن و موهایش از آن هویدا گردد.

ام علقمه رضی الله عنها می گوید : من حفصه دختر عبدالرحمن بن ابوبکر ؓ را دیدم که به نزد عمه اش، عایشه رضی الله عنها آمد، در حالی که روسری نازکی بر سر داشت که گردنش از روی آن دیده می شد. حضرت عایشه رضی الله عنها او را منع کرده و روسری اش را پاره کرد و گفت: آیا نمی دانی خداوند در سوره مبارک نور چه حکمی نازل کرده است؟ سپس از اهل منزل خواست تا روسری مناسبی بیاورند و بر سرش کنند.

این قسمت که ما در مورد آن بحث کردیم حجابی بود که شامل پوشانیدن سر و صورت و موها می باشد؛ اما قسمت دوم که شامل پوشیدن تمام بدن است به آن چادر می گویند.

چادر، پارچه ای است که از سر گرفته تا قدم بدن زن را بپوشاند و عربها به آن «عبا» می گویند.

أریج در لابلای سخنان سارا این نکته را به عنوان اعتراض ذکر کرد:

سارا! می بینی که بعضی از زنان با وجود این که عبا پوشیده اند و نقاب بر صورت دارند، اما باز هم آرایش و زینت خود را نمایان می کنند؟

سارا: منظورت چیست؟

أریج: بعضی از هم کلاسهایم عبا های خیلی تنگی می پوشند که قسمت های حساس بدن که تحریک کننده هستند، مثل سینه و پشت را نمایان می کنند.

در این هنگام مها سخن اریج را قطع کرد و گفت: بر روی بعضی از عباهای ی که زنان و دختران می پوشند، اسم شان نوشته و بر روی بعضی عباها حرف اول اسم شان نوشته شده است!

سارا گفت: من فتاوی بسیاری از علما را در مورد حرمت پوشیدن این گونه عباها خوانده ام حتی خرید و فروش آنها نیز حرام است.

أریج: عذر می خواهم سارا! اگر یک دختر عبایی پوشید که مناسب بود و صورت و دست هایش را نپوشید و از عطر و ادکلن و لوازم آرایشی هم استفاده نکرد، آیا اشکالی دارد؟

مها گفت: راست می گوید آیا مشکلی دارد؟

سارا لبخندی زد و گفت : اشکال؟! آری، اشکال بزرگی دارد.

أریج: چطور؟ چه اشکالی دارد؟

سارا: آیا شما به عنوان یک دختر مسلمان با ذکر دلایل شرعی قانع می شوید یا خیر؟  
أریج: مسلماً قانع می شویم.

سارا: بسیار خوب حالا گوش کن من چه می گویم.

من گفتم که زن-ان عصر صحابه ۷ و تابعین و قرون متمادی عصر اسلامی چهره هایشان را در خارج از منزل آشکار نمی کردند و با آرایش در بیرون ظاهر نمی شدند و جمیع مسلمانان بر این نظر اتفاق نظر دارند. بسیاری از ائمه و فقهاء، از تمام مذاهب به این مطلب اذعان دارند.

از میان این ائمه بزرگوار، امام حافظ بن عبدالبر مالکی، امام نووی شافعی، شیخ الاسلام ابن تیمیة حنبلی و امثال این بزرگواران و این شیوه در میان مسلمانان رایج بوده است تا قرن 14 هجری که ما در آن بسر می بریم.

آغاز بی پردگی در ملل اسلامی ابتدا از ظاهر کردن چهره شروع شد و این جریان در کشور مصر، ترکیه، عراق، سوریه رایج گردید و سپس کم کم به کشور های غرب نشین اسلامی و سپس به سرزمین های مسلمان غیر عربی گسترش پیدا نمود.

به مرور زمان این پ دیده رایج شد تا به برهنگی و پوشاک نامناسب من جر گردید که تمام بدن را نمی پوشیدند.

### نمایان کردن چهره داستانی دارد.

مها گفت : چه داستانی؟ دوست دارم این داستان را برایم تعریف کنی.

سارا: بسیار خوب برایتان تعریف می کنم . متأسفانه در بسیاری از کشور های اسلامی، مردم خود سرانه عمل می کنند، اما نظرت چیست که در ابتدای این موضوع دلایل وجوب پوشیدن صورت را بدانیم .

أریح: ما شاء الله، چه حافظه ای ! همه آن ها را از بر داری؟!

### پرده آخر

سارا در رابطه با این مسأله ، خبره بود و معلومات و اندوخته های فراوانی داشت ، اما نمی دانست به زودی در مناظره ای قرار می گیرد که بحث آن فقط پیرامون حجاب خواهد بود.

لذا به آنان این گونه پاسخ داد : من همه دلایل را خوانده ام، اما دیروز در نمایشگاه کتاب که در دانشگاه برگزار شده است، کتابی دیدم که در رابطه با حجاب و تاریخ پیدایش آن و دلایل و جواب آن و جریان کشف حجاب نگاشته شده بود. ان شاء الله بعد از ظهر می روم و آن کتاب را خریداری می کنم . أریح نسبت به نمایشگاه کتاب اشتیاق پیدا کرد و رو به مها کرد و گفت:

مها! نظرت چیه که همگی بریم و از آن دیدن کنیم تا از آن بهره ای ببریم؟

مها رابطه ای با کتاب و کتاب خوانی نداشت، اما سرش را به نشانه رضایت حرکت داد تا فردا باز هم میان آنها و سارا دیدار و نشستی صورت گیرد.

دختران جوان با یکدیگر خداحافظی کردند و قرار گذاشتند فردا عصر، ساعت سه در نمایشگاه کتاب دیدار کنند.

مها و آریج در مسیر راه که سوار ماشین بودند، در رابطه با مسائلی که پیرامون آن با سارا گفتگو کرده بودند، سخن می گفتند.

مها گفت: من در سایت های اینترنتی بسیاری از مقالات و مطالبی را پیرامون اجحاف در حق زن و مظلوم بودن وی در جامعه و ... می خوانم!!!

کتابهای زیادی در این رابطه نگاشته شده است، ولی آریج، باور می کنی که من معتقد بوده ام که هر آنچه نوشته اند و من می خوانم مزخرف و بیهوده هستند. اگر من آرایش و زیبایی خودم را به نمایش بگذارم، اولین کسی که از آن بهره برداری می کند، مرد است؛ اما نه هر مردی؛ زیرا مردان صالح و عفیف که به فکر دین و جامعه ای سالم هستند، چشم شان را پایین نگه می دارند.

اما مردهای فاسد و هرزه ما را به وسوسه انداخته و اغوا می کنند تا با برهنگی، از ما بهره ببرند، پناه بر خدا...

أریج از حرف های مها به شگفت آمد؛ زیرا به مدت طولانی بحث روی این بود که مها را نصیحت کند تا او را به حجاب وادار داشته و او را از گشت و گذار با این عباهای نامناسب باز دارد و با آرایش های زننده اش در بیرون ظاهر نشود.

أریج از نظر سن و سال از مها بزرگتر بود و بالطبع و از او فهمیده تر بود و در مسأله حجاب همانند دختران پرخاش گر و شرور نبود که در رابطه با امور دین سهل انگاری می کنند و هر لباسی که شریعت آن را حرام نموده، نمی پوشید.

و در عین حال او دختری نمازگزار و روزه دار بود؛ اما از گروه جوانان روشنفکری و اهل کتاب و کتاب خوانی بود. در بعضی از کتاب ها چنین خوانده بود که ظاهر کردن صورت جایز است تا زمانی که برای تظاهر و جلوه نمایی نباشد. در طی این مقالات چنین خوانده بود که ظاهر کردن چهره قول جمهور علما می باشد و این فقط علمای سعودی هستند که ظاهر کردن چهره را حرام قرار داده اند و علمای مصر، ترکیه، یمن، سوریه و سایر سرزمین های اسلامی آن را جایز قرار داده اند و نیز خوانده بود که پوشانیدن صورت از اموری نیست که به آن دینداری اطلاق می شود؛ بلکه از اموری است که به تقلید عادت های رایج مردم وابسته است و نیازی به تقلید کردن به آن نیست.

سخن سارا با تمام سادگی و صراحتی که داشت سبب شد تا اُریچ به فکر فرو برود و به تصدیق و حقیقت آنچه که در مقالات و اینترنت و انواع و اقسام مجلات خوانده بود پی ببرد.

وی دریافت که هر حرفی را بدون اینکه به گوینده اش توجه کند و بداند که تا چه حد موثق بوده و از نظر تقوا و پرهیزگاری تا چه حدی می باشد باور کرده است؟!!

وقت موعد فرا رسید و سارا برای ملاقات دو دختر جوان به طرف روانه نمایشگاه شد.

اُریچ و مها نیز به دانشگاه رفتند . نمایشگاه برپا بود . این نمایشگاه هر سال برگزار می شد و فرصت بازدید عموم مردم را به نمایشگاه فراهم می کرد . بازدیدکنندگان از اقشار گوناگون بودند، از میان دانش آموزان دبیرستانی، مربیان، زنان خانه دار، حتی افرادی که برای خرید کتاب نیامده بودند؛ بلکه برای وقت گذرانی و هوا خوری به اینجا آمده بودند.

سارا زودتر از دوستانش رسید و کتاب مورد نظر را خریداری کرد . صفحات کتاب را ورق می زد تا اُریچ و مها برسند . دو دختر جوان رسیدند و سارا به استقبال آن برخواست و در حالی که کتاب را در دست داشت و می دانست بحث طولانی و داغ خواهد شد، پس آن دو را به سالن غذا خوری دانشگاه راهنمایی کرد.



### سالن غذا خوری

سالن خیلی بزرگ بود و میز گردهای زیادی داشت که دور و بر هر یک از آنها چهار نفر از دانشجویان می توانستند بنشینند ؛ اما جمعیت زیادی در آنجا گرد آمده بودند، علاوه بر این بسیاری از کودکان نیز به همراه مادرانشان به آنجا آمده بودند.

آن سه نفر به دنبال جای می گشتند که در خور آن ها و به دور از شلوغی و ازدحام باشد. مها میزی پیدا کرد که سمت چپ سالن و دور از ازدحام بود . هر سه به آن جا رفته و استقرار یافتند.

سارا کتاب را در آورده و به آنان تقدیم کرد.

أریج اظهار داشت : نظرت چیست که فهرست کتاب را برایمان بخوانی و ما از میان آنها مهمترین مطلب را انتخاب کنیم؟

سارا از فهرست کتاب شروع کرد : ص 3 مقدمه ، ص 6 اهمیت حجاب، ص 11 چرا حجاب واجب است، ص 15 دلایلی وجوب پوشیدن صورت در قرآن و سنت، ص 43 واقعه کشف حجاب، ص 46 سه دلیل بر جواز کشف چهره و دلایلی که در آنها می باشد.

ابتدا سارا فهرست را برایشان قرائت می کرد و أریج با اشتیاق فراوان فریاد زد :  
عالیه. کتاب بسیار خوبیه؛ اما این را بگو که چقدر وقت داریم و نمایشگاه چه وقت بسته می شود؟

مها جواب داد: زیاد وقت داریم، 3 ساعت.

سارا: من نمی توانم تا بسته شدن نمایشگاه این جا بمانم؛ چون پدرم پس از غروب آفتاب به دنبالم می آید. اما فرصت داریم. حالا کدام مطلب را انتخاب کنیم؟ برای خواندن از مقدمه شروع می کنم؟ مها گفت: نه من از مقدمه خوشم نمی آید، خسته کننده و ملال آور است.

اریج: از کلام خدا و رسولش چیزی را مقدم نمی دانم، پس از دلایل قرآن و سنت آغاز می کنیم. سارا ص 15 را باز کرد و شروع به خواندن نمود.

### دلایل قرآن و سنت بر وجوب پوشیدن صورت

#### دلیل اول

آیه حجاب که دستور به کشیدن چادر بر روی صورت می کند.

خداوند می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)<sup>35</sup>، «ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که ردهای خود را جمع و جور برخویش فرو افکنند. تا این که (از زنان بی بند و بار و خانمهای آلوده) دست کم باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار (اوباش) قرار نگیرند. خداوند (پیوسته) آمرزنده و مهربان بوده و

<sup>35</sup> - [الأحزاب: 59].

هست (و اگر تاکنون در رعایت کامل حجاب سست بوده اید و کوتاهی کرده اید، توبه کنید و از این کار دوری کنید، تا خدا با مهر خود شما را ببخشد).»

در این آیه تمام زنان مورد خطاب قرار گرفته اند، این آیه همسران و دختران رسول خدا ﷺ و همه زنان مومن را در بر می گیرد و آیه ایست که به صراحت به پوشیدن صورت همه زنان مومن دلالت می کند تا تمام آرایش و زیبایی خویش را در مقابل مردان اجنبی بپوشانند.

این همان چیزی است که زنان صحابه از آیه فهمیدند همانگونه که عبدالرزاق در کتاب خود از حضرت ام المومنین ام سلمه رضی الله عنها اینگونه روایت می کند هنگامی که این آیه : **(يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَائِبِهِنَّ)** ، «رداهای خود را جمع و جور برخویش فرو افکنند .» نازل شد، زنان انصاری به گونه ای از منازل بیرون می آمدند که چادرهای سیاهی می پوشیدند و به بیرون می آمدند....

### دلیل دوم

در کتاب ابوداود چنین آمده که حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها می گوید : من کسی برتر از زنان انصار ندیدم که تا این حد قرآن را تصدیق و عمل کند و به کتاب خدا و حکم خداوند ایمان داشته باشد . هنگامی که این آیه : **(وَلَا**

يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهُ<sup>36</sup> نازل گردید :

مردان این آیات را از زبان صادق رسول الله ρ شنیدند و به گوش زنان منتقل کردند و کلام الهی را که در مورد آنان نازل شده است را برای آنها قرائت کردند، مرد این آیات را بر همسر، دختر، مادر و خواهرش و برای همه خویشان و محارمش تلاوت می کرد، تو هر زنی را می دیدی که بدنبال چادرش می گشت و آن را می پوشید و سرش را با آن مخفی می کرد . بعضی از زنان رو انداز و پوشاک خودشان را پاره کردند و برای خود روسری و چادر درست کردند . یعنی زنانی که فقیر بودند و چادر و پارچه اضافی نداشتند، از رو انداز خود تکه ای پاره می کردند و سر و صورت خویش را می پوشانیدند . همگی اینها دال بر صداقت ایمانی و قدرت روحانی بر حکم ذات باری تعالی بود.

حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها می گوید : در پشت رسول الله ρ خود را چنان پوشانده بودند که گویا برسرشان پرندۀ غراب نشسته است.

### دلیل سوم

حضرت ام عطیه رضی الله عنها می گوید : رسول خدا ρ زنان مومن را دستور داد تا برای نماز عید حاضر شوند . به ایشان خبر دادند که در میان ما یکی از زنان چادر بلندی ندارد تا آن را بپوشد؟ آن حضرت ρ فرمود: «از خواهرش چادر قرض بگیرد.»

<sup>36</sup> - [النور: 31].

این حدیث بصراحت نشان می دهد که زن مسلمان نباید بدون پوشش و چادر در مقابل اجنبی ظاهر شود.

#### دلیل چهارم

خداوند متعال می فرماید : (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ)<sup>37</sup> ، «و به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را فرو گیرند».

برای شخص دانا و عاقل واضح است که ظاهر کردن صورت زن، برای مردان وسوسه انگیز است تا به او بنگرند. به همین خاطر خداوند متعال در ادامه آیات می فرماید : (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ)<sup>38</sup> ، «و به زنان مؤمنه بگو : چشمان خود را (از نامحرمان) فرو گیرند (و چشم چرانی نکنند) و عورت‌های خویشان را مصون دارند و زینت خویش را نمایان نسازند».

#### دلیل پنجم

قرآن می فرماید : (وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ)<sup>39</sup> ، «و پاهای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نزنند تا زینتی که پنهانش می دارند (جلب توجه کند و صای خلخال پاهایشان به گوش مردم برسد و) دانسته شود.» یعنی بر زن هنگامی که خلخال بر پایش دارد، حرام است که پاهایش را محکم بر زمین بزند؛ زیرا شنیدن صدای خلخال به گوش

<sup>37</sup> - [النور: 30] .

<sup>38</sup> - [النور: 31] .

<sup>39</sup> - [النور: 31] .

مردان حرام است، چون سبب بوجود آمدن فتنه می گردد.

هنگامی که این صدا حرام است، پس حکم ظاهر نمودن صورت و نگاه کردن مرد بیگانه به لبها، گونه‌ها، و چشم‌های زن چه می باشد؟ ! آیا با شنیدن صدای خلخال، مردان دچار وسوسه و فتنه می شوند، اما با دیدن زیبایی چهره فتنه‌ای رخ نمی دهد؟ این چیز شگفت انگیزی است!

### دلیل ششم

خداوند پیر زنی را که پا به سن گذاشته، رخصت داده است که حجابش را بردارد و در پوشیدن چادر بلند و نقاب برایش تخفیف قایل شده است، اما در عین حال فرمود است که اگر حجابش را رعایت کند، برایش بهتر است. در نظر گرفتن این مسأله که پیر زن امید نکاح و فتنه نگری و جذابیت در او نباشد.

خداوند می فرماید: (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)<sup>40</sup>، «زنان از کار افتاده ای که میل به ازدواج ندارند، اگر لباسهای خود را از تن در آورند (و با جامه های معمولی با دیگران معاشرت کنند) گناهی بر آنان نیست، در صورتی که (هدف آنان خودآرایی نباشد و) زینت را نشان ندهند. و اگر عفت را رعایت کنند (و خویشان را بپوشانند) برای

<sup>40</sup> - [النور: 60].

ایشان بهتر است، و خداوند شنوا و دانا است .  
«.

### دلیل هفتم

خداوند می فرماید : (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ)<sup>41</sup> ، «هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید، این کار برای پاکی دلهای شما و آنان بهتر است.».

این آیه نص صریحی در حکم پوشانیدن صورت... یعنی هرگاه شما صحابه از ازدواج مطهرات (و دیگر زنان مومنی که محارم شما نبودند) متاع و نیازی خواستید، از پشت پرده از آنان بخواهید، سخن گفتن شما با آنان از پشت پرده، بدون اینکه آنها را ببینید، برای پاکی قلوب شما و آنان بهتر است تا تأثیر نگاه کردن در قلب اثر نگذارد و شیرینی و شگفتی در قلب هیچ کدام از زن و مرد احساس نشود و قلب های شما پاک و عفیف باقی بماند؛ زیرا آن گاه که مرد از پشت پرده با زن بنا بر ضرورت سخن می گوید آن جا راهی برای شیطان وجود ندارد.

### دلیل هشتم

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)<sup>42</sup> ، «و در خانه های خود بمانید، و

<sup>41</sup> - [الأحزاب: 53] .

<sup>42</sup> - [الأحزاب: 33] .

همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید». خداوند متعال زنان مؤمن را منع نموده است که هنگام خارج شدن از منزل خود را آراسته کنند و بی مورد در بازارها به گشت و گزار بپردازند. همانگونه که در زمان جاهلیت زنان این طور بودند. در جامعه اسیل عربی که مردان شان با غیرت بودند اگر مرد اجنبی نسبت به زن آنها ابراز عشق و محبت می کرد و یا به آبروی او متعرض می شد، نبردی شدید میان آنان رخ می داد حتی منجر به جنگ های قبیله ای می شد. به نظر شما آیا در آن جامعه جاهلی سخت گیر و متشدد زن، اندام، ران ها، سینه، بازوها و یا موهایش را در مقابل بیگانگان ظاهر می کرد؟ خیر، بلکه فقط صورتش ظاهر بوده است و گاهی اوقات مقداری از موهایش را ظاهر می کرد، و حتی آن گونه که از اشعار زمان جاهلی فهمیده می شود، بسیاری از زنان، چهره هایشان را نیز می پوشانیدند.

الله سبحانه و تعالی تمام زنان مسلمان را ندا می دهد و اعلام می نماید: **(وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)**<sup>43</sup>، یعنی از اینکه همانند این گونه زن ها باشید خویش را برحذر دارید.

سارا با تمام حواس غرق در کتاب و ذوقش مشغول خواندن بود و آریج و مها در تصدیق سخنان او می گفتند خوب است، بسیار عالی، .... الحمدلله. و همگی تسلیم اوامر الهی بودند؛ زیرا بنده و هر آن چه که مال بنده

<sup>43</sup> - [الأحزاب: 33].



است از آن آقا و پروردگارش است . سارا متوجه شد که اُریج حواسش پرت شده است، لذا غافل - گیرانه با صدای بلند گفت : مفهوم این حرف چیست؟

اُریج با لبخند گفت: استاد مفهومش چیست؟  
سارا: بله سخنان مان را کامل می کنیم .  
مها حواسش جمعتتر بود، از این رو گفت :  
بله، بحث را کامل کن و سارا شروع به خواندن نمود .

### دلیل نهم

برای همگان واضح است که زن در حین ادای فریضه حج و عمره مانند مردان چهره اش را ظاهر می کند، در زمان صحابه نیز زمانی که درون خیمه ها بودند چهره هایشان را ظاهر می کردند، اما هنگامی که مرد بیگانه از کنارشان رد می شد، چه کار می کردند؟

از مادرت ام المؤمنین، عایشه صدیقه رضی الله عنها بشنو! حُجاج بر روی سواری از کنار ما رد می شدند و ما به همراه رسول الله ﷺ در احرام به سر می بردیم . هنگامی که حاجیان به ما نزدیک می شدند، گوشه چادرمان را می کشیدیم و چهره مان را می پوشانیدیم و هرگاه رد می شدند چهره مان را ظاهر می کردی م این بیان ویژگی حجاج زنان صحابه در حال احرام بود، هنگامی که مردان از کنارشان رد می شدند رخسار خویش را می پوشانیدند با وجود این که زن محرمه از این که چهره اش را بپوشاند، نهی شده بود . پس

چرا آن بزرگواران در حالت احرام صورتهایشان را می پوشانیدند؟ چون آنان به این نکته واقف بودند که پوشیدن چهره در مقابل اجنبی الزامی است.

### دلیل دهم

حضرت اسماء بنت ابی بکر صدیق<sup>۴۴</sup> می گوید: ما در حالت احرام چهره هایمان را می پوشیدیم، اما قبل از حکم حجاب در هنگام احرام سرهایمان را شانه می کردیم.<sup>44</sup>

### دلیل یازدهم

در داستان إفک آمده است که حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها به اتفاق رسول خدا<sup>۴۴</sup> به سوی غزوه بنی مطلق بیرون شد، در مسیر بازگشت، برای قضای حاجت رفته و مقداری تأخیر کرد و هنگامی که بازگشت، لشکر رفته بود. حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: من به مکان کاروان آمدم، نه صدای ی بود و نه جوابی از کسی شنیده می شد، همگی رفته بودند. پس من در مکانی که قبلاً در آن قرار داشتم، رفتم و دانستم که به دنبالم خواهند آمد و مرا پیدا خواهند کرد. لذا من چادرم را برداشتم و خودم را پوشانیده و نشستم. خواب مرا فرا گرفت و من به خواب رفتم. به خدا که من در خواب بودم که صفوان بن معطل<sup>۴۴</sup> که یکی از صحابه بزرگوار رسول الله<sup>۴۴</sup> بود، و از لشکر عقب افتاده بود آمد

<sup>44</sup> - ابن خزیمه و حاکم.

تا به کارهایش رسیدگی کند. از دور انسانی را دید که بر زمین خوابیده است. به سوی من آمد و مرا شناخت؛ زیرا قبل از حکم حجاب مرا دیده بود. سپس **انا لله وانا اليه راجعون** خواند و گفت: همسر رسول الله!

من با استرجاع ( یعنی با **انا لله وانا اليه راجعون گفتن**) او از خواب پریدم و چهره ام را با چادرم پوشانیدم. به خدا قسم یک کلمه با من سخن نگفت و غیر از استرجاعش چیزی از او نشنیدم تا اینکه سواری اش را به سویم نزدیک کرد و آن را خوابانید و من سوار شدم. و او مهار شترش را گرفته و با سرعت به طرف مسیر کاروان حرکت کرد.

#### دلیل دوازدهم

از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت است: زنان مسلمان در نماز جماعت صبح به امامت رسول الله ﷺ شرکت می کردند و در حالی که چادرهایشان را دور خود پیچانده بودند و پس از ادای نماز باز می گشتند به منزل و کسی آنها را نمی شناخت.<sup>45</sup>

#### دلیل سیزدهم

رسول الله ﷺ می فرماید: «کسی که دامن لباسش را از روی تکبر بلند بکند به طوری که بر زمین کشان کشان باشد؛ خداوند در روز قیامت «به نظر رحمت» به او نمی نگرد.» منظور حدیث

<sup>45</sup> - متفق علیه.

این است که لباس مردان از دو قوزک پا پایین تر نباشد. با قرائت این حدیث حضرت ام سلمه رضی الله عنها گمان برد که حرمت بلند بودن لباس تا زیر قوزک برای مردان و زنان می باشد و در آن زمان زنان دامن هایشان را به قدری دراز و بلند می دوختند که قدم پایشان دیده نمی شد. اغلب زنان در آن زمان فقیر بودند و کسی جوراب نداشت تا پاهایش را بپوشد.

پس در این لحظه ام سلمه رضی الله عنها پرسید: زنانی که با دامن های بلندشان بر روی زمین کشان کشان است، چه کار بکنند؟ آن حضرت<sup>p</sup> فرمود: یک وجب آن را کوتاهتر بکنند. حضرت ام سلمه رضی الله عنها گفت: پس قدم های پاهایشان ظاهر می شوند. آن حضرت<sup>p</sup> فرمود: پس نیم متر کوتاهتر کنند نه بیشتر از آن.<sup>46</sup>

پس هنگامی که زن از ظاهر کردن قدم های پایش منع شده تا کسی آن ها را نبیند و احساس خوشی و لذت نسبت به زیبایی و نازکی پاهایش نکند، پس نظرشان در مورد ظاهر نمودن صورت چیست و چه حکمی بر آن مترتب می گردد؟

### دلیل چهاردهم

رسول الله<sup>p</sup> فرمودند: «زن در حالت احرام، نقاب بر چهره نبندد و دستکش نپوشد.»<sup>47</sup> زن در حالت احرام از پوشش عادی اش یعنی پوشانیدن صورت و دو کف دست نهی شده همانگونه که مرد

<sup>46</sup> - روایت از مسند امام احمد بن حنبل.

<sup>47</sup> - رواه بخاری.

از پوشش عادی اش ممنوع شده است؛ زیرا مرد پیراهن می پوشد و عمامه بر سر می کند؛ اما در وقت احرام از این دو ممنوع شده است. این حدیث نشانگر این امر است که در عهد نبوی ﷺ عادت و شیوة زنان مؤمن این بوده است که نقاب می زدند و چهره شان را می پوشانیدند؛ مگر بنابر ضرورت، چشم ها را ظاهر می کردند.

### دلیل پانزدهم

رسول الله ﷺ فرمودند: «هیچ زنی با زن دیگر در یک لباس قرار نگیرد (و نرمی بدن یکدیگر را احساس نکنند و این در مواضعی از اندام آنها است که دیدن آن برای زنان جایز است و برای مردان خیر) آن گاه حسن و خوبی هایش را چنان برای شوهرش تعریف کند که گویا مرد آن زن را می بیند.»<sup>48</sup>

از این حدیث معلوم می شود که زنان در عصر نبوت با پرده و پوشانیدن چهره در خارج از منازل ظاهر می شدند که مرد بیگانه نمی دانست، دارای چه رنگ و رخساری هستند، مگر این که از زنی سؤال می کرد یا از کسی که زن را دیده بود، می پرسید. پس اگر زنان عصر رسول الله ﷺ بی پرده در بازارها و خیابان ها ظاهر می شدند نیازی نبود که زن، چهره زن دیگری را تعریف کند؛ زیرا در راه و بازار او را می دید.

<sup>48</sup> - رواه بخاری.

## دلیل شانزدهم

حضرت مغیره بن شعبه  $\tau$  می گوید: من از این دختری خواستگاری کردم و آن حضرت  $\rho$  را در جریان امر قرار دادم. آن حضرت  $\rho$  فرمود: آیا او را دیده ای؟ گفتم: خیر، فرمود: برو و او را ببین؛ زیرا این رؤیت سبب می گردد تا رابطه شما مداوم تر گردد. من به خانه او آمدم و در نزد او پدر مادرش بودند. او در حجاب قرار داشت. گفتم: رسول خدا  $\rho$  مرا دستور داده تا به او نگاه کنم.

والدینش سکوت کردند، آن گاه آن دختر گوشه روستی را از چهره اش برداشت و گفت: من تو را به خدا سوگند می دهم، اگر رسول الله  $\rho$  به تو دستور داده تا به من بنگری این کار را بکن و اگر دستور نداده است، پس به من نگاه نکن. من به او نگاه کردم و با وی ازدواج نمودم و هیچ زنی همانند او برایم محبوبتر نبود.

پر واضح است که اگر زنان در عصر رسول الله  $\rho$  بدون پرده ایاب و ذهاب می کردند، پس مغیره می توانست، دختر را در بازار یا خیابان و کوچه ببیند و نیازی نبود، حضرت خود را در تکلف بیاندازد و به نزد خانواده دختر برود و آنها را در تنگنا قرار دهد و بخواهد تا دختر را به او نشان دهند.

چشمان سارا به کتاب دوخته بود و بدون مکث آن را می خواند.

حدیث حضرت مغیره بن شعبه تأثیر روحانی عجیبی بر روی مها گذاشت و با تکلف اشک هایش را کنترل می کرد که ناگه شروع به گریه کرد.

سارا سرش را بلند کرد و آریج رو به خواهرش کرد و پرسید: چرا گریه می کنی؟  
مها اشک هایش را از چشمانش پاک کرد و گفت: هیچی، چیزی نیست. خدا بر حال ما رحم کند. این یک زن صحابی است و یک مرد صحابی دیگر را سوگند می دهد که به صورتش نگاه نکند، مگر این که رسول الله  $\text{p}$  به او اجازه دستور داده باشد و من با زیباترین لباس ها در بازارها و بیمارستانها می گردم. به خدا که خیلی بهره بردم! آن صحابی حاضر نیست حتی یک لحظه هم کسی او را ببیند آن هم صحابه ای عابد و جلیل القدر و کسی که برای خواستگاری اش آمده و من این عباهای زینتی و جلوه دار را می پوشم و خدا می داند که چه زینت و آرایشی در آن به کار رفته و اصلاً احساس شرم و حیا نمی کنم!

مها کاملاً متأثر شده بود و بار بار نگاه مردان را در جلوی چشمانش مجسم می کرد که چگونه به او خیره می شوند.  
در این لحظه با حالت گریه ای که داشت با دست هایش صورت خویش را پوشانید.

سارا او را آرام کرد و از توجهش تشکر نمود و گفت: خواهرم! مها! خداوند به تو چنان نعمتهای فراوانی عطا کرده است که سزاوار است از او پیروی کنی. آنچه در اولویت قرار دارد

حجاب و سبقت گرفتن در امور خیر و صالح است .  
از خداوند سپاسگذار باش که به تو سلامتی جسمی  
و بینایی و شنوایی عطا فرموده است تا خداوند  
تو را دوست بدارد و حسن خاتمه نصیبت گرداند .

داستان زنی به یادم آمد که 50 سال لال بود  
و قادر به سخن گفتن نبود، اما در عین حال  
زنی صالح و نیکوکار بود و همواره روزه می  
گرفت و شب ها را با نماز سپری می کرد . شوهرش  
هرگز صدای او را نمی شنید؛ چون لال بود . در  
یکی از شب ها زن در حال نماز بود که صدایش  
بلند شد، به طوری که هر کس می توانست آن را  
بشنود . شوهرش با حالت شگفت زده بلند شد و در  
حالی که چشم هایش را می مالید، از روی خوشی  
و سرور وصف ناپذیری، گوش هایش را تیز کرد و  
آن زن مشغول مناجات با پروردگارش بود همسرش  
شنید که کلمه شهادتین را بلند می خواند و با  
لحنی واضح و صریح با تضرع و زاری دعا می کرد  
و آن گاه بر روی جانمازش به دیدار حق شتافت  
و دنیا را وداع گفت . آیا شما خواهان چنین  
خاسته ای نیستید؟

هر دو خواهر از داستانی که شنیدند، به  
شدت متأثر شدند . مدت کوتاهی سکوت مطلقى جو  
را فرا گرفت .

أریح رخس را به طرف سارا چرخاند و گفت .  
خوب سارا ادامه بده : سارا .



## دلیل هفدهم

حضرت جابر بن عبدالله  $\tau$  می‌گوید: از رسول خدا  $\rho$  شنیدم که فرمود: «هنگامی که یکی از شما به خواستگاری دختری رفت و می‌توانست آن چه را که برایش مهم است، نگاه کند، باید این کار را انجام دهد.»

حضرت جابر  $\tau$  گفت: من از یکی از زنان بنی سلمه خواستگاری کردم و خودم را به پشت تنه نخل خرمایی مخفی کردم تا دختر را دیدم و از او خوشم آمد، آن گاه با او ازدواج کردم. ملاحظه کنید اگر این دختر چهره اش را ظاهر می‌کرد و در انظار عمومی ظاهر می‌شد، نیازی نبود تا جابر  $\tau$  خود را پشت تنه درخت خرما پنهان کند تا دختر را ببیند، بلکه بر سر راهش قرار می‌گرفت و به او نگاه می‌کرد. بلافاصله سارا رو به مها کرد و از روی شوخی گفت: مثل دفعه قبل نکنی، بلکه هر گاه خواستی گریه کنی، برو بیرون! اریح جلوی خنده اش را گرفت و با تبسم گفت: خوبه استاد ادامه بده. سارا لبخندی زد و مطلب را ادامه داد.

## دلیل هجدهم

عبد الله بن عمرو بن عاص  $\tau$  می‌گوید: ما به همراه رسول الله  $\rho$  شخصی را به خاک سپردیم در مسیر بازگشت، به درب منزلش رسیدیم. در مقابل مان زنی را دیدیم که او را نشناختیم.

رسول الله ﷺ به سوی او متوجه شد و فرمود : ای فاطمه ! از کجا می آیی؟

گفت: از منزل خانواده فلان میت می آیم، برای عرض تسلیت آنجا رفته بودم.<sup>49</sup>

صحابه ۷ گمان کردند، رسول الله ﷺ این زن را شناخت؛ زیرا سراسر بدن او پوشیده بود؛ اما از آن جایی که دختر گرامی وی بود، از هیئت راه رفتن و اندامش وی را شناخت که دخترش است و اگر چهره و دست های حضرت فاطمه ظاهر می بود، برای آنها جای تردید پیش نمی آمد که این زن، کیست؟

### دلیل نوزدهم

امام مسلم در کتاب صحیح خود در باب (استحباب نگاه کردن به چهره و دو دست زنی که قصد ازدواج با او را دارد) از حضرت ابوهریره ۸ روایت می کند: من در محضر رسول الله ﷺ بودم، مردی نزد ایشان آمد و او را خبر کرد که قصد دارد با زنی از انصار ازدواج کند. آن حضرت ۹ فرمود: آیا دختر را دیده ای؟ آن مرد گفت: خیر. رسول الله ﷺ فرمود: او را ببین؛ زیرا در چشم های بعضی از انصار کجی وجود دارد. در این هنگام اریح در سخن سارا پرید و گفت: شاید می خواست به غیر از صورت و دو دست زن بنگرد، همانگونه که خاستگار به نامزدش نگاه می کند؟!

<sup>49</sup> - رواه احمد و حاکم قال: صحیح علی شرطهما.

سارا گفت: نه چنین نیست؛ بلکه پیامبر  $\rho$  دستور داد تا به چشمانش نگاه کند. چشم ها در کجای بدن هستند؟ در موی سر، در گردن؟ خیر، چشم ها در صورت است، آن حضرت  $\rho$  مرد را دستور داد تا با کسب اجازه از خانواده دختر به او نظری بیاندازد.

### دلیل بیستم

دلیل عقلی: هر فرد منصف می دان د که این کار به دور از عقل است که شریعت به زن اجازه دهد چهره اش را در مقابل مردان بیگانه نمایان کند؛ زیرا تمام زیبای زن در صورتش جمع شده است، به ویژه زمانی که زن زیبا رو باشد. این امر مسلمی است که نگاه کردن به زن سبب بر انگیخته شدن شهوت های غریزی و موجب فساد اجتماعی می گردد.

با به پایان رسیدن این دلیل، سارا سرش را از کتاب بلند کرد و گفت: دلایلی که صاحب کتاب نوشته بود به پایان رسیدند، اینک نمی دانم چه طور به زن مسلمان بگویم که صورت، دستها، گردن، سر، گوش و پاهایش را بپوشاند تا مردان در فتنه نیافتند و سپس به ظاهر کردن صورتش فتوی دهیم که تمام زیباییها را در خود جمع کرده است؟ از نازکی لب ها گرفته، تا طراوت گونه ها و چشم های سحر آمیز!

آیا می توان باور کرد که مرد، با نگاه کردن به قدم پای زن، دچار فتنه شود؛ اما

نگریستن به چ هره اش اتفاقی رخ نمی دهد . این امر شگفت آوری است.

اریج در تأیید سخن سارا گفت : واقعاً راست می گوی، سخت بجاست.

اریج: سارا! مرا باور کن، مها شاهد است، من با وجود این که عباى مناسب می پوشم، اما صورتم را ظاهر می کنم، البته خودم را آرایش نمی کنم، اما با صراحت می گویم: چه در بازار یا بیمارستان یا در ماشین، با هر مردی که سخن می گویم، مشاهده می کنم که به صورتم خیره می شود و گاهی نگاهی را بر لبهایم می دوزد و بعضی اوقات با لبخند با من سخن می گوید و گفتگو و سخنش را با من طولانی می کند.

مها سرش را به نشانه تصدیق تکان داد و گفت: درسته، درسته. خداوند تو را هدایت کند. اریج با چة خشمناک رو به مها کرد و گفت: درسته؟! درسته؟! خداوند مرا هدایت کند؟!

اگر کسی به حرفهایت گوش دهد گمان می کند که تو از من با حجاب تری؟! بلند شو و برو در آئینه به خود و پوششت نگاهی بیانداز . مها ناراحت شد و گفت: قصدی نداشتم.

سارا متوجه شد که میان دو خواهر کشمکش رخ داده است، لذا آن دو را به آرامش فرا خواند و گفت: نظرتان چیست که مذاهب ائمه اربعه، امام ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمد را در این زمینه بدانیم تا سخن کسانی که می گویند:

ائمه اربعه قائل به جواز ظاهر کردن چهره  
هستند را نپذیریم؟

أریج گفت: عالییه.

سارا ص 31 را باز کرد و شروع به خواندن  
کرد.

## اجماع ائمة اربعة بر وجوب پوشیدن چهره

### اقوال ائمة مذهب حنفی:

فقهائى مذهب حنفى معتقدند كه جايز نيست زن چهره اش را در جلو مردان بيگانه ظاهر كند، زيرا كشف چهره فتنه انگيز است. از اين رو در كتب فقهى خويش يادآور شده اند مبنى بر اين كه مسلمانان اتفاق نظر دارند كه سفر كردن زن در حالت ظاهر كردن چهره ناجايز است و اينك پاره اى از فتاواى آنان را در ذيل ذكر مى كنيم:

علامه ابوبكر جصاص از علمائى بزرگ مذهب حنفى مى گويد: زن جوان موظف است، چهره اش را در برابر مردان بيگانه بپوشاند و به هنگام بيرون رفتن از منزل حجاب و عفتش را رعايت كند تا با نگاه كردن به وي فتنه اى روى ندهد تا اهل شك و گمان در وي طمع نکنند.<sup>50</sup>

شمس الاثمة سرخصى حنفى مى گويد: حرام بودن نگاه كردن به خاطر خوف فتنه است، و بيم فتنه زمانى خواهد بود كه به چهره زن نگاه شود و اغلب زيباييهايش، نسبت به ساير اعضايش، در چهره اش گرد آمده اند.<sup>51</sup>

امام علاء الدين حنفى مى گويد: زن جوان نهى شده است كه در مقابل مردان چهره اش را ظاهر كند. ابن عابدين مى گويد: معنايش اين است كه زن نهى شده تا چهره اش را ظاهر كند تا مبادا مردان او را ببينند و در فتنه نيفتند؛ زيرا

<sup>50</sup> - احكام القرآن جصاص، 458/3.

<sup>51</sup> - مبسوط سرخصى، 152/10.

به هنگام کشف چهره، گاهی نگاه با شهوت صورت می گیرد.<sup>52</sup>

همچنین وجوب پوشاندن چهره زن حتی در حالت احرام، از علمای احناف نقل شده است، در صورتی که مردان بیگانه همراه آنان باشند.<sup>53</sup> امام طحاوی حنفی می گوید: برای زن جوان ممنوع است که جلوی زنان بیگانه چهره اش را ظاهر کند.<sup>54</sup>

مفتی اعظم پاکستان، علامه مفتی محمد شفیع دیوبندی رحمه الله می گوید: مذاهب اربعه و جمهور امت اتفاق نظر دارند بر این که برای زنان جوان جایز نیست که چهره و دستانشان را در برابر مردان بیگانه ظاهر کنند و زنان پیر و مسن از این قانون مستثنی هستند؛ زیرا خداوند در آیه: (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ)<sup>55</sup> آنان را مستثنی قرار داده است.

در این هنگام ساره از خواندن توقف نمود و گفت: قبل از این که به بیان دیدگاه های سایر ائمه مذاهب پردازم، نظر فقهای مذهب حنفی برای دشواری ایجاد کرد، مبنی بر این امر که در رها کردن حجاب و کشف، چهره فسادکاران و بیماردلان در طمع می افتند.

داستانی را برایتان یادآور می شوم که مردی برای کسب و کار به جایی سفر کرد و زن و

<sup>52</sup> - حاشیة بن عابدین، 488/2.

<sup>53</sup> - حاشیة بن عابدین، 272/1.

<sup>54</sup> - حاشیة بن عابدین، 406/1 - 408 و بحر الرائق ابن نجیم، 284/1 و 381/2. و فیض الباری علامه

انور شاه کشمیری، 24/4 و 308.

<sup>55</sup> - [النور: 60].

بچه اش را در منزل رها نمود و به برادر بزرگترش توصیه کرد که مراقب آنان باشد. این زن می گوید: برادر بزرگتر شوهرم، تقریباً هر روز می آمد و به ما سر می زد و خودش را جزء خانواده ما می دانست. من در مقابل او حجاب نمی کردم و چهره ام و گاهی اوقات موهایم در مقابلش ظاهر می شد. در روزهای اول محتاط بود، اما کم کم که رفت و آمدش زیاد شد و نزد من هیچ محرمی نبود و من هم بدون حجاب بودم، حرکات عجیبی از او مشاهده می کردم، سخنان نرم و لطیفی با من می گفت و بسیار شوخی می کرد تا اینکه همسرم از سفر بازگشت و به نزد ما آمد. من ترسیدم که اگر او را از حرکات برادرش باخبر سازم، اختلافی رخ ندهد.

بار دیگر همسرم به سفر رفت و برادرش چون سرپرست ما بود، دوباره به منزلمان رفت و آمد می کرد و حرکات نامناسب و سخنان عاطفی گذشته اش را تکرار می کرد و با صراحت با من کشمکش می کرد و گاه و بیگاه، به منزلمان می آمد!

من از این وضعیت خسته شده و به ستوه آمدم، لذا تصمیمی جدی گرفتم تا در حضورش حجاب شرعی را رعایت نموده و چهره ام را بپوشانم. آن گاه برای همسرم نامه ای نوشتم به این مضمون که دیگر حاضر نیستم با مردان نامحرم اختلاط داشته باشم و با آنها مصافحه کنم و می خواهم حجاب کامل شرعی را پیاده کنم.



همسرم مرا تشویق نمود و برایم کتابها و نوارکاستهایی پی‌رامون حجاب فرستاد. فردای آن روز هنگامی که برادر شوهرم طبق عادت همیشگی به خانه ما آمد و مرا در پرده و حجاب دید، دور از من و با حالت غافلگیرانه ای ایستاد و گفت: منظورت از این کار چیست؟ گفتم: از امروز به بعد جز با محارم، با مردان بیگانه مصافحه نمی‌کنم و کسی مرا نبیند. اندکی مکث کرد و مانند شخصی که ضربه‌ای بر او وارد شده، به تأمل فرو رفت.

سپس سرش را تکان داد.

به وی گفتم: هر گاه چیزی لازم داشتی، از پس پرده با من سخن بگو. سپس بازگشت. از آن پس خداوند شر او را از من دور ساخت.

أریح به شگفت آمد و گفت: سبحان الله! به تحقیق خداوند چه راست فرموده است: (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ)<sup>56</sup>، «هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید، این کار برای پاکی دلهای شما و آنان بهتر است.» سارا به خواندن مطالب کتاب ادامه داد.

### اقوال ائمه مذهب مالکی

فقه‌های مالکی معتقدند برای زن جایز نیست که چهره‌اش را در مقابل مردان بیگانه ظاهر کند؛ زیرا سبب ایجاد فتنه می‌گردد، به همین

<sup>56</sup> - [الأحزاب: 53].

دلیل بنابر مذهب امام مالک، زنان بدون پوشش حجاب شرعی که عبارت است از پوشانیدن تمام بدن از خارج شدن از منزل نهی شده اند.

قاضی ابوبکر بن عربی و امام قرطبی مالکی می‌گویند: جایز نیست که زن صورتش را بدون ضرورت ظاهر کند، مگر هنگامی که نیاز شدیدی رخ دهد یا ضرورت ایجاب کند، مانند ادای شهادت، یا اینکه بیماری در بدنش باشد و به پزشک مراجعه کند، و...<sup>57</sup>

امام جلیل القدر علامه ابن عبدالبر مالکی رحمه الله، اجماع علما را بر وجوب پوشیدن صورت زن ذکر کرده است.

امام آبی مالکی ذکر کرده است: ابن مرزوق برایم نوشت: مشهور در مذهب مالکی این است که پوشیدن صورت و دو کف دست زن در هنگام خ وف فتنه نگاه بیگانه واجب است.<sup>58</sup> ،<sup>59</sup>

### اقوال ائمه شافعی مذهب

ائمه مذهب شافعی کشف صورت در مقابل مردان اجنبی را جایز نمی دانند اعم از این که خوف

<sup>57</sup> - احکام القرآن (3/1578) و الجامع لاحکام القرآن (14/277).

<sup>58</sup> - جواهر الاکلیل، 14/1.

<sup>59</sup> - برای اطلاعات بیشتر به این منابع علمای مذهب امام مالک مراجعه شود: المعیار المعرب للنشریسی، 10/165 و 11/266 و 229 و مواهب الجلیل للحطاب 3/141 و الذخیره للقرافی 3/307 و التسهیل لمبارک 3/932 و حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر 2/55 و کلام محمد کافی تونسسی کما فی المصارم المشهور ص 103 و جواهر الاکلیل علامه آبی 1/186.

فتنه باشد یا نه؛ زیرا ظاهر کردن صورت خودش  
فتنه انگیز است.

- امام حرمین، علامه ج وینی شافعی رحمه الله می -  
گوید: علمای مسلمین بر این فتوا اتفاق نظر  
دارند که زنان مسلمان نباید بدون پوشانیدن  
چهره از منزل خارج شوند؛ زیرا نگاه نامحرم  
به چهره زنان سبب ایجاد فتنه و فساد می -  
گردد.<sup>60</sup>

ابن رسولون شافعی رحمه الله می گوید: علما بر  
این امر اتفاق دارند که ه زنان بدون حجاب و  
پوشیدن صورت از منزل خارج نشوند، خصوصاً  
هنگامی که فاسقان و هوسبازان در بازارها  
پرسه می‌زنند.<sup>61</sup>

امام موزعی شافعی می گوید: تعامل مردم از  
قدیم الایام تا حال، در تمام شهرها و کشورهای  
اسلامی این گونه بوده است که برای پیرزن در  
مورد حجاب تخفیف قائل می‌شوند و البته نسبت  
به زن جوان چنین اجازه‌ای نداده و این کار را  
ناپسند دانسته‌اند و گمان نمی‌برم که کسی به  
جواز این امر فتوا داده باشد که زن جوان  
مسلمان، چهره‌اش را بدون ضرورت ظاهر نماید، و  
برای مرد مسلمان جایز نیست که بدون ضرورت  
شرعی، به زن مسلمان نگاه کند.<sup>62</sup>،<sup>63</sup>

<sup>60</sup> - روضة الطالبین 24/7 و بجیرمی علی الخطیب 315/3.

<sup>61</sup> - عون المعبود 162/11.

<sup>62</sup> - تیسیر البیان لاحکام القرآن 1001/2.

<sup>63</sup> - برای کسب اطلاعات بیشتر در رابطه با مسأله مذکور در مذهب  
شافعی به کتب ذیل مراجعه نمائید : احیاء علوم الدین 49/2 ،

### اقوال ائمه مذهب امام احمد بن حنبل

فقهای مذهب حنبلی ظاهر نمودن چهره ی زن را در مقابل مردان نامحرم جایز نمی دانند.

امام احمد رحمه الله می گوید: هنگامی که زن می خواهد از منزلش بیرون برود، هیچ جای بدنش نمایان نباشد.<sup>64</sup>

### نتیجه بحث

دیدگاه جمهور علما مبنی بر حرمت ظاهر نمودن صورت است و در ذیل، اجماع علمای امت که بر اقوال آنان اعتماد می شود ذکر می گردد:

#### امام ابن عبدالبر مالکی مغربی می گوید:

علمای اسلام بر این قول اجماع دارند که بر زن واجب است چهره اش را به ویژه در زمان فتنه و فساد بپوشاند.

از علمای مشرق زمین، امام نوری شافعی رحمه الله همین دیدگاه را تصریح می کند.

از ائمه ی حنابل، امام تیمیه نیز قائل بر همین امر می باشد.

از میان علمای احناف، علامه سهارنپوری و شیخ محمد شفیع عثمانی رحمه الله، هر دو این بزرگواران، دیدگاه اجماع امت را بر اینکه پوشیدن صورت زن واجب است، ذکر می کنند.

---

روضة الطالبین 24/7 ، حاشية الجمل على شرح المنهج 411/10 ،  
حاشية القليوبي على المنهاج 177/1 ، فتح العلام جردانی 178/2 ،  
حاشية السقاف 297 و شرح السنة بغوی 240/7 .  
<sup>64</sup> - فروع 601/1 .

آیا بعد از نقل این همه گفتار علما، رأی مخالفی یافته می شود و حجت و دلیلی باقی می ماند؟ قطعاً گفته ائمه قانع کننده است.

مها، شکل و حالت عبايش را برانداز می کرد و به آن نگاه می کرد، گویا در ذهن چیزی را به اثبات می رساند، اما اریج چنین به نظر می رسید که گویا یک مسأله گنگ و پیچیده ای ذهنش را مشغول کرده است. از این رو، نگاهی به سارا انداخت و گفت:

سارا! من می توانم بقصد تائید سرم را تکان بدهم، اما چیزی ذهنم را مشغول کرده است، با توجه به مطالبی که در برخی مقالات خوانده ام، دو شبهه برایم پیش آمده است.

سارا: آن دو شبهه کدامند؟

اریج: اول اینکه: فقط علمای سعودی به پوشاندن صورت فتوا داده اند، در حالی که در جهان اسلام تعداد بی شماری از علما به آن فتوا نداده اند.

دوم اینکه: پوشاندن صورت از رسومات و تقلیدهای گذشتگان می باشد و جزء ضروریات دین محسوب نمی گردد.

اریج در دامه افزود: سارا! من معذرت می خواهم، درست است دلایلی که شما در رابطه با پوشیدن صورت زن ذکر کردید بسیار قوی و قابل استدلال و بسیار واضح بودند و درست هست که این دستور خداوند و پیامبر گرامی  $\rho$  می باشد و عملکرد زنان صحابه نیز این گونه بوده است؛

اما این را می خواهم بدانم که آیا غیر از علمای عربستان، دیگر علمای جهان اسلام به این امر فتوا داداند یا خیر؟

سارا لیخندی زد و از جرأت و اشتیاق اریج در شگفت آمد و گفت : اندکی پیش من فهرست مطالب را برایتان قرائت کردم، و در آن مطلبی بود تحت عنوان: اقوال علمای جهان اسلام در مورد وجوب پوشش صورت. آن گاه سارا ص 31 را باز نموده و شروع به خواندن آن کرد.

**اقوال علماء از اقطار گوناگون عالم اسلامی در رابطه با وجوب پوشش چهره**

**شیخ امیر صنعانی یمنی**

وی چنین می گوید: در کتابش سخن کسانی که قائل بر جواز ظاهر کردن چهره اند را به شدت رد کرده است.<sup>65</sup>

**شیخ ابو الاعلی مودودی پاکستانی**

وی از اندیشمندان بزرگ پاکستان است و کتابی به عنوان «حجاب» تألیف نموده و در تعلیق آیات حجاب چنین می گوید: «همه ی کسانی که در زمینه آیات حجاب و تفسیر آن تأمل و تفکر نموده اند، در تمام دوران ها و زمان ها، عمل مردم در زمان رسول الله ﷺ چنین بوده است که برای ستر صورت زن هیچ انکاری نیافته اند، و

<sup>65</sup> - ادلة جلیلة فی تحریم نظر الأجنبیة

همواره این تعامل تا زمان حال وجود داشته است.<sup>66</sup>

شیخ محمد علی صابونی از شخصیتهای برجسته و مفسران بزرگ سوریه<sup>67</sup>

وی در کتاب خویش به نام «روائع البیان فی تفسیر آیات الأحکام من القرآن» «بحثی تحت عنوان «آیات الحجاب و النظر» اختصاص داده و در پایان مبحث خویش چنین می گوید: بدعت ظاهر کردن چهره؛ در عصر حاضر پدید آمده و زن را به کشف چهره و به ترک نقاب فرا می خواند و مدعی است که نقاب، از لوازم حجاب شرعی محسوب نمی گردد و صورت زن عورت نیست، در حالی که پوشاندنش واجب می باشد. من نمی دانم که مدعیان این ایده خود را از کدامین گناه می رهانند؟ کسانی که زن را به انداختن حجاب و ظاهر کردن چهره و نمایان کردن زیبایی، آن هم در جامعه ای فرا می خوانند که آتش شهوت و شراره های هوسبازی زبان می کشد و سرمست شهوت رانی و هوس بازی و هرزگی هستند.<sup>68</sup>

شیخ ابوبکر جزائری اهل الجزائر

<sup>66</sup> - حجاب ص 226 - 230.

<sup>67</sup> - البته لازم به ذکرست که این اندیشمند فرزانه اینک در مکه مکرمه سکونت دارند و خدمت های ارزنده ای به ویژه در تفسیر کلام الله مجید تقدیم جامعه اسلامی کرده اند. خداوند به ایشان و امثال ایشان طول عمر با برکت و مزید توفیق عنایت بفرماید. (مترجم).

<sup>68</sup> - روائع البیان فی تفسیر آیات الأحکام من القرآن.

ایشان در کتابش: «فصل الخطاب فی المرأة و الحجاب» دلایل وجوب پوشانیدن صورت را ذکر نموده و شبهات مخالفین را رد کرده است.<sup>69</sup>

علامه محمد امین شنقیتی اهل موریتانیا

ایشان در کتاب خویش «أضواء البیان» آیات حجاب را تفسیر نموده و دلایل ی قوی در رابطه با پوشیدن صورت ذکر نموده است.<sup>70</sup>

شیخ محمد یوسف کافی از علمای تونس

وی در کتاب «المسائل الکافیة فی بیان وجوب صدق خبر ربّ البریة» دعوت دهندگان کشف صورت را محکوم نموده است و محمود تویجری این سخن را از او نقل کرده است.<sup>71</sup>

عبدالقادر بن حبیب سندی از علمای سند

وی دو کتاب تصنیف نموده است: یکی تحت عنوان: «الحجاب فی الکتاب و السنة» و دیگری: «رفع الجُنّة امام جلباب المرأة المسلمة فی الکتاب و السنة» و در هر دو کتاب، وجوب پوشیدن چهره را با نصوص و دلایل ذکر کرده است.

<sup>69</sup> - فصل الخطاب فی المرأة و الحجاب.

<sup>70</sup> - أضواء البیان ص 586/6.

<sup>71</sup> - الصارم المشهور ص 108 - 109



شیخ مصطفی صبری از ترکیه و مفتی دولت عثمانی  
وی دعوت کننده گان ظاهر کردن چهره را در  
مقاله ای تحت عنوان: «قولى فى المرأة» به باد  
انتقاد گرفته است.<sup>72</sup>

شیخ عبدالرشید بن محمد سخی اهل نیجریه  
وی در کتاب خویش به نام «السيف القاطع  
للنزاع فى حكم الحجاب و النقاب» قول کسانی  
که می گویند: حجاب از ضروریات شریعت اسلام  
محسوب نمی گردد، بلکه از رسومات اهل حجاب  
بوده است را تردید کرده و حکم به وجوب  
پوشیدن چهره داده است.<sup>73</sup>

استاد بانو اعتصام احمد الصراف اهل مصر  
وی در کتابی به عنوان خواهر مسلمانم، راه  
تو به سوی بهشت است می نویسد: «پوشاندن چهره  
اصل و اساس است، و شریعت بدان توجه خاصی  
مبذول داشته است.»<sup>74</sup>

استاد بانو یسریه محمد انور اهل مصر  
وی در کتابی تحت عنوان «مهلا يا صاحبة  
القوارير» می نویسد: «آنگاه که اسلام ظاهر  
کردن قدم پا را عورت قرار داده است و دستور  
داده تا پاها محکم به زمین کوبیده نشوند تا  
صدای خلخال آنها شنیده نشود، قطعاً پوشیدن

<sup>72</sup> - ایشان از علمای برجسته و مولف کتاب گرانسنگ موقف العقل و العلم و العالم من رب العالمين و عباده المرسلين است که در نوع خود بی نظیر است و شایسته است تا اندیشمندان از این اثر ارزنده استفاده کنند. (مترجم)

<sup>73</sup> - «سيف القاطع للنزاع فى حكم الحجاب و النقاب» ص 8

<sup>74</sup> - اختی المسلمة، سبيلک الى الجنة، ص 120.

چهره واجب‌تر است؛ زیرا چهره شامل تمام زیبایی‌ها است.<sup>75</sup>

شیخ احمد بن حجر آل ابو طامی اهل قطر  
وی کتابی تحت عنوان : «الادلة من السنة و  
الكتاب في حكم الخمار والنقاب» تالیف نموده  
است.

شیخ محمد الزمزمی بن الصدیق اهل مغرب  
شیخ محمد بن اسماعیل در کتابش «عودة  
الحجاب» در رابطه با وجوب پوشیدن چهره از وی  
یاد کرده است.<sup>76</sup>

شیخ عبدالحلیم محمود، شیخ اسبق الأزهر  
ایشان مقاله ای تحت عنوان «مظهر المرأة»  
نوشته و در رابطه با اینکه زن در معرض فتنه -  
ها قرار دارد، چنین نوشته است : «بر زن واجب  
است که چهره و دو کف دست خویش را بپوشاند و  
این از باب سدّ ذرائع است.<sup>77</sup>

شیخ حسن البنا مرشد جماعة إخوان المسلمين مصری  
ایشان در کتابش : «المرأة المسلمة» می-  
نویسد: «اسلام بر زن حرام نموده که قسمتی از  
اعضای بدنش را ظاهر نماید.»<sup>78</sup>

<sup>75</sup> - «مهلا يا صاحبة القوارير» و در صفحه 62 این مطلب ذکر شده  
است.

<sup>76</sup> - عودة الحجاب، 1/285.

<sup>77</sup> - مجله صوت العرب بیروت کانون دوم سال 1967 م.

<sup>78</sup> - «المرأة المسلمة» در ص 18.

### شیخ محمد بن حسن حجوى مغربى

وى در كتابش «دفاع عن الصحيحين» ادعاى كسانى را كه ظاهر كردن چهره زن را جايز مى - دانند، رد كرده است.<sup>79</sup>

### دكتور محمد سعيد رمضان بوطى اهل سوريه

وى در كتابش مى نويسد: ائمه فقها اجماع دارند بر اين كه بر زن واجب است تا به هنگام خوف فتنه از نگاه هاى نامحرمان در صورتى كه با نگاه شهوت به او مى نگرند، چهره اش را بپوشانند. حالا چه كسى مى تواند يقين داشته باشد كه از وقوع فتنه ها در زمان حاضر در امان است و چه كسى مى تواند ادعا كند كه در خيابانها كسى به چهره زن با شهوت نگاه نمى كند؟<sup>80</sup>

### شيخ عياده الكبيسي عراقى

در كتابش «لباس التقوى» دیدگاه وجوب پوشیدن چهره را تاييد كرده است.

### شيخ محمد زاهد كوثرى اهل تركيه

وى در مقاله اى تحت عنوان «حجاب المرأة» وجوب پوشیدن چهره زن را تاييد كرده است.<sup>81</sup>

### شيخ صفى الرحمن مباركپورى هندی

ايشان در كتابش «ابراز الحق و الصواب فى مسأله المسفور و الحجاب» كسانى را كه قايل

<sup>79</sup> - دفاع عن الصحيحين ص 129.

<sup>80</sup> - الى كل فتاة تؤمن بالله، ص 50.

<sup>81</sup> - حجاب المرأة ص 245 - 250.

به جواز کشف صورت هستند، را رد کرده و می گوید: «حکمت حجاب تقاضا می کند که حکم آن شامل تمام اعضای بدن زن باشد، علی الخصوص چهره زن که همه زیبایی ها در آن جمع شده اند.<sup>82</sup> -

#### استاد زهرا فاطمه بنت عبدالله یمنی

وی کتابی به عنوان : «متبرجات» تألیف نموده و در آن نصیحتهای ارزشمندی را متوجه زنان ساخته و شرایط حجاب و دلایل وجوب پوشیدن صورت را نیز ذکر نموده است.<sup>83</sup>

#### استاد بانو کوثر مینیاوی مصری

وی در کتابش به نام : «حقوق المرأة فی الاسلام» پس از ذکر آیه : «یا ایها النبی قل لزوجک» می نویسد: خداوند در این آیه کریمه، تمام زنان مسلمان را به کشیدن چادرهای بلند بر روی زیبایی هایشان از قبیل مو و صورت و سایر اعضای بدن امر نموده است.<sup>84</sup>

#### شیخ أزهري محمد ابوالفضل مصري

وی فتاوی طویلی در رابطه با پوشانیدن صادر نموده و وجوب پوشش چهره را تایید نموده است.

<sup>82</sup> - «إبراز الحق و الصواب فی مسألة المسفور و الحجاب» ص 10.

<sup>83</sup> - «متبرجات» ص 161

<sup>84</sup> - «حقوق المرأة فی الاسلام» ص 128

شیخ عبدالرب قریشی ملکپاری کشور پاکستان

وی در کتاب «الأبحاث الفقهية القيّمة» در رابطه با مبحث حجاب می گوید که پوشیدن چهره واجب است.<sup>85</sup>

در واقع اریح نیازی نداشت تا فتاوی علما معتمد و مشهور از اطراف مختلف جهان اسلام برایش یادآوری شوند آن هم با وجود ذکر ادله از قران و سنت.

اریح: گفته‌ی کسانی که می گویند: پوشیدن صورت از عادت اهل عرب است و در سعودی زنان عادت به حجاب داشته اند، به گمان من نیازی نیست که این سخن را رد کنیم، پس از اینکه این همه اندیشمند از علمای مصر، شام، یمن، ترکیه، پاکستان، موریتانیا و بسیاری از کشورهای اسلامی به وجوب آن فتوا داده اند.<sup>86</sup>

<sup>85</sup> - «الأبحاث الفقهية القيّمة، 36/2.

<sup>86</sup> - در بلوچستان ایران نیز، سراغ نداریم که کسی از علمای برجسته مان به جواز کشف چهره فتوا داده باشد و با توجه بر این که صدها مکتب از مکاتب خواهر ان که در بلوچستان دایر می باشند، در هر جایی که استاد مرد تدریس می کند، تدریس از پشت پرده صورت می گیرد و همین است نظر علما و اندیشمندان ما در خطه بلوچستان و این دیدگاه علمای اجماعی بزرگان ما در زاهدان، خاش، گشت و سراوان، ایرانشهر، سرباز، نیکشهر و چابهار است و آنچه از سخنرانیها و موضع گیری‌های حضرت شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید در زاهدان و یا از فتاوی مولانا محمد عمر سربازی از سرباز فهمیده می شود یا از آرا و نظریات شیخ الحدیث مولانا محمد یوسف حسین پور از گشت سراوان، مولانا عبدالرحمن چابهار از چابهار، مولانا عبدالصمد دامنی و مولانا عبدالحمید بزرگزاده از ایرانشهر، و شیخ التفسیر، مولانا عثمان قلندرزی و مولانا محمدگل کریمزی از خاش به نظر می رسد، دیدگاه علما و اندیشمندان سایر اقطار امت اسلامی را تایید می کند، چرا که اگر این اندیشمندان بلند

## تصمیمی قاطع

سارا فرصت را غنیمت شمرد و خواست که آریج و مها را تحت تاثیر قرار دهد، از این رو گفت: انسانهای نیرومند و قوی کسانی هستند که تصمیم جدی می‌گیرند تا رفتارهایشان را تغییر دهند و روش و شیوه‌ای بهتری برگزینند.

چه بسیاری از خواهران مسلمان ما هستند که صورت‌هایشان را می‌پوشانند و چه افرادی وجود دارند که معتقدند، پوشیدن صورت افضل است و آرزو دارند که چهره‌هایشان را بپوشانند، و هر گاه خواهر مسلمانی را می‌بینند که حجاب صورت را رعایت کرده، دوست دارند تا همانند او باشد، اما با این وجود ماه‌ها و چه بسا سال‌ها می‌گذرد، بدون اینکه تصمیمی قاطع را برای خویش اتخاذ نمایند.<sup>87</sup>

پایه امت اسلامی، نظری غی‌ر از این می‌داشتند صراحتاً خلاف آن از آنان صادر می‌شد و در مکاتب خواهران که تحت پوشش مدارس خود و یا تحت ریاست آنان ایفای نقش می‌کنند، از پشت پرده تدریس نمی‌شد و جای افتخار و بالندگی است که وقتی مسلمان، به بازار و یا اماکن عمومی، بیمارستان، دبیرستان، و حتی دانشگاه و... قدم می‌گذارد، زنان بلوچ را مشاهده می‌کند که اغلب آنان محجبه و با نقاب اند و این افتخار به علما و مصلحان جامعه بلوچستان بازگشته و بیانگر همسویی آنان با سایر اندیشمندان اسلامی و در واقع اعتماد و توجه آنان به نصوص شریعت و احیای سنن و شیوه‌هایی دینی است که برای بقا و حفظ کرامت زن آمده است. (مترجم)

<sup>87</sup> - لازم به ذکر است زمانی که ترجمه این رساله به پایان رسیده بود، رساله‌ای بسیار مختصر اما بسیار مفید و پرمحتوا به نام: «ناگفته‌هایی از حجاب و عفاف» به دستم رسید که خواهر گرامی، ام محمد عمر رئیسی آن را نگاشته بود و در واقع می‌توان گفت این رساله خطاب به آن دسته از خواهران محجبه‌ای نگاشته شده که در عین رعایت حجاب، مرتکب برخی سهل‌انگاری‌ها شده‌اند. خداوند به این خواهر جزای خیر عنایت بفرماید. (مترجم)

خداوند در این مورد می‌فرماید: (وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا)<sup>88</sup>، «هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش دآوری کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد) هرکس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌گردد.».

به این فرموده خداوند توجه نمایید: (وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ) خطاب الهی برای زنان و مردان مومن است و همگی را منع نموده است تا با وجود حکم الهی، از خود اختیاری داشته باشند، پس اوامر الهی مبنی بر اختیارات و خواسته‌های ما نیستند.

حکم حجاب همانند نوافل و سنت های غیر مؤکده، مانند نماز چاشت نیست که اگر بخواهی آن را انجام دهی و اگر نخواستی آن را ترک کنی؛ بلکه از فرائض الهی است و در مورد آن از تو پرسیده خواهد شد.

آریج و مها به حرف من توجه کنید؛ هم اشیای قیمتی که در دنیا می‌بینید، دارای حجاب و پوشش می‌باشند. به اشیای موجود در کره زمین بنگرید، میوه های نارس در درون پوسته اند، شمشیر در درون غلاف است، خودکار و خودنویس

<sup>88</sup> - [الأحزاب: 36].

وقتی درش باز باشد، دواتش خشک و بی فایده می‌شود.

به این نکته توجه کنید! چرا دختران مدرسه-ای و دانش آموزان، کتابها و دفترهایشان را جلد می‌گیرند؟ آیا به خاطر محفوظ ماندن نیست؟ زن همانند یک گل زیبایی است که هر کس با دیدن آن آرزو می‌کند، آن را بچیند، پس ناگزیر است که آن را با حجاب و پوشش مراقبت نمائیم. اگر پوست میوه کنده شود و همین طور گذاشته شود، فاسد می‌شود.

یک موز را در نظر بگیرید، اگر پوستش را جدا کنیم، سیاه می‌شود. به چشم انسان توجه کنید به علت این که بسیار ارزشمند است، در پوشش قرار دارد. خیلی خوب حالا تصمیم بگیرید و با حجاب باشید؛ زیرا هم هستی در حجاب و پوشش است.

مها از سخنانی که می‌شنید بسیار متاثر شده و به یاد داستان دختر آمریکایی که چند روز پیش در یکی از سایت‌های اینترنتی خوانده بود، افتاد.

مها ادامه داد: به خدا قسم که حجاب باعث عزت و شرافت زن است. چه بسیاری از کافران به سبب حجاب به اسلام روی آورده اند.

سارا با تعجب گفت: به علت حجاب به اسلام روی آورده اند؟ چگونه؟!

مها: بله من در یکی از سایت های اینترنتی خواندم که دختری به علت حفظ حجابش سبب



مسلمان شدن 7 نفر گر دید. وی دانشجوی آمریکایی تبار بود که به دین و آیینش افتخار می کرد و به سبب او 3 دکتر و 4 دانشجو مسلمان شدند.

یکی از دکترهای مسلمان پس از اینکه اسلام آورده بود، این گونه تعریف می کند: چهار سال قبل در دانشگاه بخاطر یکی از دانشجویان دختر مسلمانی که به حجابش بسیار متمسک بود و یکی از اساتیدش نسبت به دین او تعصب به خرج می داد، برایمان مشکلی پیش آمد. استادش به دنبال فرصت و بهانه ای می گشت تا انتقامش را از این دختر دانشجو بگیرد. دختر متحمل مشکلاتی شد و در آخر شکایت خویش را به رئیس دانشگاه رسانید و دانشگاه نیز به درخواست او اجابت نمود و قرار گذاشت تا نشستی میان طرفین با مشارکت جمعی از اساتید دانشگاه بنابر شنیدن دیدگاه دو نفر دختر مسلمان و دکتر صورت دهد.

اغلب اساتید در جلسه، برای مناظره ای که در جایگاه خود بی نظیر بود، حضور پیدا کردند. اعتراض دختر دانشجو این بود که استاد نسبت به دین اسلام نفرت و بغض شخصی دارد، به همین علت در حق دانشجو ظلم می کند، بساری از دانشجویان، با وجود اینکه غیر مسلمان بودند، نیز در جلسه حاضر شدند تا از حق این دانشجوی مسلمان دفاع کنند!

دکتر جواب قانع کننده و منطقی نیافت و اعصابش بهم ریخت و شروع به اهانت و ناسزا

گفتن به اسلام نمود. دختر مسلمان برخاست و با غیرت اسلامی‌ای که داشت از دین خویش دفاع کرد و از خوبی‌ها و محاسن اسلام نام می‌برد و با چنان اسلوب و شیوه‌ای سخن می‌گفت که تمام حضار را به سمت خود جذب می‌کرد، حتی که بسیاری از حاضرین جلسه از بسیاری از مسائل تخصصی از او می‌پرسیدند و او بی‌درنگ جواب می‌داد.

هنگامی که دکتر معاند دید که جلسه تبدیل به کنفرانس اسلامی شده است، با خشونت از حیاط دانشگاه بیرون رفت و دختر مسلمان همچنان جلسه را اداره می‌کرد و به پرسش‌های حاضرین جواب می‌داد. پس از آن کیفش را باز کرد و به حاضرین دو برگه اهدا کرد که بر روی آن نوشته بود: «اسلام یعنی چه» داستان دختر مسلمان و حجاب او، تبدیل به بحث داغ دانشگاه شد.

دانشجویان و اساتید، برگه‌هایی که در رابطه با مبحث اسلام بود را دست به دست می‌گردانیدند، پس از آن چند ماهی نگذشت که 3 استاد و 4 دانشجو مشرف به اسلام شدند.

سارا و آریج از شنیدن این داستان بهره می‌بردند و خود مها نیز بهره برد.

سئوالات زیادی در ذهن آریج پدیدار گشته بود، بویژه زمانی که سارا به سئوالاتش پاسخ می‌داد.

چه کسی ملکه قصر را دیده است

أریج: در مقابل چه کسانی جایز است که  
چهره‌ام را ظاهر کرده و آرایش خویش را در  
جلوی آنها ظاهر نمایم؟!

سارا: در مقابل محارم خویش؛ کسانی که عقد  
تو با آنها بسته نمی‌شود که 12 گروه‌اند.

خداوند در سوره نور آنها را ذکر فرموده  
است: 1- شوهر، 2- پدر، 3- پدر شوهر، 4- پسران  
رضایی یا نسبی، 5- پسران شوهر، پسران مرد که  
از زن دیگری باشند، در صورتی که بیش از یک  
زن داشته باشد، 6- برادرانش، برادران زن،  
اعم از این که برادران حقیقی باشند، یا  
ناتنی، 7- پسران برادر، 8- پسران خواهر، 9-  
برده و غلام، 10- مردانی که فاقد شهوت و  
تمایل به زنان هستند، 11- کودکان نابالغ،  
12- عموم زنان.

مها و أریج با شگفتی تمام به سخنان سارا  
گوش فرا می‌دادند و در نهایت تسلیم شدن در  
برابر حکم خداوند بودند.

أریج شروع به راست کردن روسری از صورتش  
کرد و می‌خواست با گوشه روسری چهره‌اش را  
بپوشاند و این کار را انجام داد و این سخن  
را به زبان آورد: ای صورت من، از امروز به  
بعد به جز از محارم کسی تو را نخواهد دید.  
آه! چقدر زیباست اطاعت از فرمان الهی.

خورشید غروب کرد و برای نماز مغرب اذان گفته شد و دختران جوان حدود سه ساعت را در گفتگو به سر می‌بردند. نمایشگاه به پایان وقت خویش نزدیک می‌شد و جدایی این سه دوست هم نزدیک بود، اما فصل مهمی در این کتاب وجود داشت که لازم بود تا خوانده شود.

سارا گفت: اریچ و مها شما برای رفتن عجله دارید؟ در این کتاب یک فصل مهم باقی مانده و آن هم در رابطه با دلایل افرادی که قائل بر جواز ظاهر کردن چهره می‌باشند، و ادلة آنان را رد می‌کند. دوست دارم با هم آن را بخواندیم، حتی اگر کسی یافت شد که با شما با آوردن این دلایل مرجوح بحث بکند، شما با آنها آشنایی داشته باشید، نظرتان چیست؟ اریچ جواب داد عالی است. ولی بعد از نماز مغرب بهتر است.

دختران جوان برخاسته و نماز مغرب را با آرامش قلبی خواندند، پس از نماز سارا برای پدرش تماس گرفت که اندکی دیرتر به دنبالش بیاید. لذا وی به نزد دوستانش رفت و ص 46 کتاب را باز کرد و شروع به قرائت آن نمود.

سه دلیل که مدعیان کشف صورت بدان استدلال می‌کنند و پاسخ به آنها

دلیل اول:

از حدیث «سفعاء الخدین» استدلال می‌گیرند که در صحیح بخاری از حضرت جابر ر روایت است که رسول خدا ﷺ در خطبه روز عید رو به زنان

نموده و آنها را به پرداخت صدقه ترغیب دادند، جابر<sup>۸۸</sup> که راوی این حدیث می باشد، می گوید: در میان زنان، زنی بلند شد که بر روی گونه هایش آثار لکه و سیاهی دیده می شد وی برخاست و گفت: ای رسول خدا برای چه....

دلیل این گروه این است که جابر<sup>۸۸</sup> از کجا می دانست که گونه های صورت این زن سیاه شده بود مگر این که صورت زن ظاهر بوده و آن دیده باشد.

### پاسخ:

این حدیث را بسیاری از صحابه کرام غیر از حضرت جابر<sup>۸۸</sup> روایت کرده اند که همگی در نماز عید حاضر بوده و آن زن را دیده اند؛ اما هیچ کدام از صحابه<sup>۸۹</sup>، صفت و چگونگی گونه های آن را در روایت خویش ذکر نکرده اند. این داستان از طریق ابن عباس، ابن مسعود، ابو هریره، ابن عمر، ابو سعید خدری<sup>۹۰</sup> روایت شده است.

شاید حضرت جابر<sup>۸۸</sup> این زن را قبل از نزول حکم حجاب دیده است یا اینکه «سفعاء الخدین» لقبی بود که به آن زن می دادند. به همین علت این سخن فقط در روایت حضرت جابر<sup>۸۸</sup> آمده است.

در روایت ابن مسعود<sup>۹۱</sup> آمده است: زنی برخاست که....<sup>۸۹</sup>

<sup>۸۹</sup> - روایت حاکم و احمد.

در روایت ابن عمر  $\tau$  آمده: زنی برخاست که قوی هیکل بود و چنین گفت: ...<sup>90</sup>

ببین کسی که از پشت پرده چادر زن را دیده باشد، صفت و چگونگی اندام ظاهری اش را می - تواند توصیف کند، اما از خصوصیات چهره سخنی به میان نیامده است.

در روایت ابن عباس  $\tau$  آمده است: زنی از میان جمع برخاست و به جز او کسی برخاست، و گفت: آری، ای رسول خدا! .... و در آن روز کسی نمی دانست که این زن چه کسی بود.<sup>91</sup>

در روایت حضرت ابوهریره  $\tau$  آمده است: زنی از میان جمع برخاست و گفت: برای چه ای رسول خدا...<sup>92</sup>

در روایت حضرت ابوسعید خدری  $\tau$  آمده است: زنان گفتند: برای چه ای رسول خدا! ...<sup>93</sup>

این پنج صحابه بزرگوار از افرادی بودند که در صحنه حاضر بودند و کسی غیر از حضرت جابر  $\tau$ ، صفات چهره زن را ذکر نکرده است. شاید که حضرت جابر  $\tau$  قبلاً او را شناخته، یا اینکه آن لحظه ای که برخاسته چادرش کنار رفته و صورتش لحظه ای نمایان شده است. بنابراین با وجود احتمال، استدلال باطل است.

<sup>90</sup> - رواه مسلم.

<sup>91</sup> - متفق علیه.

<sup>92</sup> - رواه مسلم.

<sup>93</sup> - متفق علیه.

ممکن است زنی که چهره اش نمایان بوده از گروه پیر زنان بوده است؛ زیرا یک زن جوان این قدر جسارت نداشت که در چنین مجلسی به این بزرگی برخیزد و با چنان صدایی سخن بگوید که همه مردان آن را بشنوند، شاید این شخص پیرزنی بوده و خودش را مادر ی به حساب آورده است، لذا برخاسته و از محضر نبوی سوال نموده است.

حضرت جابر در روایتش چنین گفته است : «**من سطر النساء... سفعاء الخدين**» یعنی این زن از طبقه اشراف و اصیل نبود که در صورتش سیاهی دیده می شد؛ زیرا این صفات بیشتر به زنان کنیز و برده مشابیه دارد و برای کنیزان پوشانیدن صورت همانند زنان آزاد الزامی نبوده است.

احتمال دارد این جریان قبل از حکم حجاب رخ داده است؛ زیرا حجاب در سال پنجم یا ششم هجری فرض گردید و نماز عید در سال دوم هجری. سارا با ذوق وافر مطالب را می خواند و آریج و مها با دقت گوش می دادند.

آریج: سبحان الله، سارا! من در یکی از مجلات خواندم که به ظاهر کردن چهره فرا می خواند و به سختی تلاش می کرد تا چادر و روسری از چهره زن برداشته شود و چنین به نظر می رسید که تمام مشکلات جهان اسلام به خاطر همین تکه پارچه است که بر چهره زن گذاشته شده است.

البته مهم این است که از همین حدیث استدلال گرفته بود. حقیقتاً وقتی خواندم که

این حدیث را امام مسلم روایت روایت کرده است، اندکی شک در من بوجود آمد و متوجه نشدم که نویسنده نسبت به روایات مخالف توجه نکرده و فقط روایاتی که خودش قبول دارد را مورد تایید قرار داده است.

سارا: خداوند همه ما را ببخشد، آن گاه به ساعتش نگاهی انداخت و گفت: بسیار خوب، حالا بحث را کامل کنیم.

اریج گفت: آری، ادامه دهید و به ساعت نگاه نکنید، هنوز زود است. ساره ص 48 را باز کرده و به خواندن ادامه داد.

#### دلیل دوم: داستان زن خثعمی

بخاری از حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما و ایشان از برادرش فضل بن عباس روایت می کند: «رسول خدا p در روز عید، فضل را بر روی سواری خویش پشت سرش نشاند، فضل فردی خوش سیما بود. رسول خدا p ایستادند و مردم را فتوا می داد. زنی از قبیله خثعم که بسیار زیبا رو بود آمده و از محضر آن حضرت p سؤال نمود. فضل به سوی آن زن می‌نگریست، و زیبایی اش او را به سوی خود جلب کرده بود. رسول خدا p متوجه شد و گردن فضل را گرفته و صورتش را به سمت دیگری برگردانید.<sup>94</sup>

در این روایت صراحتاً نیامده که چهره زن نمایان بود، کلمه (وضیئة) به معنای سفید

<sup>94</sup> - متفق علیه.



رنگ، زیبا، خوشگل و کسی که اندام زیبا دارد، نیز می آید. برای اینکه ما به سفید رنگی زن پی ببریم، لازم نیست که حتماً به صورتش نگاه کنیم، بلکه با دیدن دست یا پایش می توان به سفیدی و طراوت پوست او پی برد. این درست نیست که ما فوراً رأی به ظاهر بودن صورت بدهیم و اگر چنین می بود، پس راوی می گفت: زیبارو بود، اما می بینیم که از کلماتی نظیر «وضیئة» به معنای سفید پوست به کار برد ه است.

آنچه باعث جلب توجه راوی و بیننده بوده، حسن و خوبی زن بود، نه زیبایی اش؛ زیرا جمال و زیبایی مختص صورت می باشد و چهره او پوشیده بوده است، پس آنچه فضل دیده بود حسن و ظرافت اندامش از روی حیا بوده است و او را به سوی آن زن جلب کرده و رسول خدا ﷺ چهره اش را بر گردانده است.

ما فرض می گیریم چهره زن ظاهر بوده است؛ زیرا ظاهر کردن چهره در حج جایز می بود؛ همانگونه بعضی فتوا داده اند. از این رو رسول خدا ﷺ چهره فضل را از نگاه کردن به زن باز داشت؛ زیرا وی مرتکب امر حرامی نشده بود. در روایتی که از حضرت علی بن ابی طالب ؓ

روایت است: «رسول خدا ﷺ گردن فضل را به سمت دیگری برگردانید، پس عباس گفت: ای رسول خدا ﷺ چرا گردن پسر عمویت را به طرف دیگر می چرخانی؟ آن حضرت ﷺ فرمود: من زن و مرد جوانی

را دیدم، پس از حضور شیطان در میانشان در  
امان نبودم.<sup>95</sup>

رسول خدا p چهره فضل را به این علت که به  
زن نگاه می کرد یا به کلام فصیحش گوش می داد،  
یا به تناسب اندام او خیره شود، بر  
نگردانید، بلکه از آن جایی که فضل t جوان خوش  
سیمایی بود و از این که زن با نگاه کردن به  
فضل در فتنه نیافتد و به طرف او متوجه نگردد  
و آن دو به همدیگر خیره نشوند و بنابر سد  
ذرائع رسول خدا p این عمل را انجام داد.  
بابراین، به صراحت در حدیث نیامده است که  
چهره اش ظاهر بود.

أریج با دقت گوش فرا می داد و چنین به  
نظر می رسید که پاسخی در ذهنش دارد و می  
خواهد جوابی ارائه دهد. هنگامی که سارا از  
خواندن فارغ شد، أریج گفت: جواب دلایل تمام  
شد؟ سارا گفت: چهار پاسخ کافی است.  
أریج گفت: من پاسخ پنجمی می دهم.

هما با تعجب رخ به خواهرش کرد و گفت:  
ماشاء الله جواب پنجم! حاضر جواب شدی، استاد!  
جواب پنجم چیست؟ أریج عصبانی شد و گفت: من  
دارم جدی صحبت می کنم. سارا پرسید: بسیار  
خوب، بگو.

پاسخ أریج: حضرت فضل صحابی رسول خدا p  
برای ادای حج و در حالت احرام است و هیچ نوع  
زینتی را نکرده و زن نیز از صحابیات است و

<sup>95</sup> - سنن ترمذی.

برای انجام حج آمده و در حالت احرام است و هیچگونه آرایش و تزیینی انجام نداده است . آنان خیس عرق اند و لباسهایشان هم چرکین است و به سبب راه رفتن زیاد آثار خستگی در آن ها نمایان است، هوا بسیار گرم و رسول خدا (p) در میانشان موجود است، با این وجود پیامبر (p) مانع می گردد که او به زن نگاه کند و آن دو از حجاج بیت الله می باشند، و چهره اش را بر می گردانند.

آآآ... چقدر وحشتناک است ! نظرتان در مورد کسانی که می گویند : اشکالی ندارد زن چهره اش را در مقابل همکارانش در شرکت ها و بازارها، و در خانه در مقابل برادران شوهر و پسر عمو و پسر دایی و در هواپیما و بیمارستان ظاهر کند؟! تو را به خدا بگو : چقدر از چشموهای که از روی اعجاب و شگفتی به این صورت می نگرند؟! و چه مردان متأهلی که به زنان نگاه می کنند و از محبت همسرانشان از دلهایشان کاسته می شود؟ هما با صدای بلند حرف اریج را تصدیق کرد و گفت : واقعاً کاملاً درسته.

هما آن قدر صدایش را بالا برد که زنانی که اطراف آنها در سالن بودند ، به هما نگاه کردند و هما متوجه شد که جو را شلوغ کرده است، لذا از شرم سرش را پایین انداخت و اریج با پایش به او تشری زد و گفت : مقداری آرومتر، صدايت را پایین بیاور . من می دانم

که سخنم بسیار خوب بود ؛ اما زیاد ذوق زده نباش!

سارا جلوی خنده اش را که نزدیک بود شنیده شود، گرفت و گفت : خداوند به علمت بیفزاید؛ اما یک دلیل باقی مانده است آن را بخوانم یا نه ؟ هما گفت: آری، بخوان، بخوان، شاید خانم زرنگ ما چند دلیل دیگر هم پیدا کند!

أریج سکوت کرد و سارا با لبخند به أریج نگاه کرد و گفت: أریج روی عصبانیت فشار نیاور، هر کس نعمتی داشته باشد، نسبت به او حسودی می شود و کسی که دستش به انگور نمی رسد ، می گوید: ترش است.

أریج لبخندی زد و گفت: مطلب را کامل کن تا ما هم از آن بهره ای ببریم.

سارا ص 49 را باز کرده و ادامه داد.

### دلیل سوم

ابوداود از حضرت خالد بن دریک  $\tau$  از طریق عائشه صدیقه رضی الله عنها روایت می کند که حضرت اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنهما روزی به منزل ایشان آمد که لباس نازکی پوشیده بود ، رسول خدا  $\rho$  در منزل عائشه رضی الله عنها بودند، رسول خدا صورتش را بر گردانید و فرمود : ای اسماء! زن مسلمان زمانی که به سن بلوغ رسید، مناسب نیست که به جز از این دو قسمت بدن او را کسی ببیند و آن گاه آن حضرت  $\rho$  به صورت و دو کف دستش اشاره نمود.

باید گفت: این حدیث ضعیف بوده و نمی توان از آن استدلال کرد. به چند دلیل:

1 امام ابوداود پس از روایت حدیث می گوید : این حدیث مرسل است و خالد بن دریک، عائشه رضی الله عنها را ندیده و با او ملاقات نکرده است.

2 در سند حدیث یک راوی به نام سعید بن بشیر، ابو عبدالرحمن بصری موجود است که روایات او بنابر اینکه ضعیف اند ، استدلال گرفته نمی شود.

3 در میان راویان حدیث، قتاده و ولید بن مسلم موجوداند که هر دو م دلس فی الحدیث بوده و با روایت آنان صحت حدیث ثابت نمی شود.

این سه دلیل که ذکر شد سبب ضعف حدیث گشته و حجت گرفتن به آن صحیح نیست.

سارا پس از پایان متن سرش را از کتاب برداشت و به سوی هما نگاهی انداخت و با تبسم گفت: من دلیل چهارمی دارم ، غیر از آن چه خواندیم، معلوم شد که این حدیث از رسول خدا ﷺ ثابت نیست؛ زیرا عاقلانه نیست که رسول خدا ﷺ با همسر پاکش عائشه رضی الله عنها نشسته باشد و اسماء به نزد آنها بیاید که لباس نازکی بر تن کرده باشد، با وجود اینکه اسماء حدود ده سال از حضرت عائشه بزرگتر بود!!<sup>96</sup>

<sup>96</sup> - سیر اعلام النبلاء 289/2 و 380/3.

با وجود اینکه در زمان جاهلیت آنها پوشش و حجاب خود را رعایت می کردند. آنگونه که در داستان زنی در دوران جاهلیت رخ داد که زنی روسری اش از چهره اش دور شد و او مسیری را می پیمود، فوراً دستش را روی صورتش گرفت، و آن را پوشانید و در مدح و تعریف این زن شاعر زمان جاهلی می گوید:

### سقط النصف و لم ترد إسقاطه فتناولته و اتقتنا باليد

«روسری به طور ناخواسته از چهره اش جدا شد و او در حالی آن را برداشت که دو دستش را بر چهره اش همانند نقابی کشید از اینکه مبادا چهره اش را ببینیم.»

هنگامی که در زمان جاهلیت زن خود را می پوشانید، پس وضع آنان در زمان اسلام چگونه بوده است؟! -

أریح با شوقی که در او بوجود آمده بود، گفت: سبحان الله! خداوند همه ما را اصلاح بگرداند.

سارا نگاهی به ساعتش انداخت و گفت: نیم ساعت از آمدن پدرم بی‌شتر نمانده است.

مها گفت: سارا یک داستان باقی مانده در رابطه با بی حجابی که آن را برایمان تعریف نکردی.

سارا: به خاطر ندارم.

أریح گفت: از بحث فرار نکن. اندکی پیش آن را در فهرست خواندی به گمانم ص..... ص.....

سارا فهرست کتاب را ورق زد و به کمک شتافت و گفت: ص 43 قصیه بی حجابی در سه صفحه

با شتاب آن را می‌خوانم تا دیر نشود.

### قصیه بی حجابی

زنان مومن در زمان رسول الله ﷺ تا نیمه قرن 14 هجری قمری تا قبل از هم فروپاشی دولت اسلامی بی پرده نبودند تا این که در پایان نیمه اول قرن 14 هجری قمری استعمار غربی به سرزمین های مسلمانان هجوم آورد به انگیزه این که مسلمانان را از عادات و شیوه های اسلامی باز می‌گردانده و آنان را به سمت و سوی های مخالف بکشاند.

اولین کشور از کشورهای اسلامی که به بی حجابی روی آورد، کشور مصر بود. هنگامی که امیر مصر محمد علی پاشا، گروهی را برای فرا گرفتن علو و دانش به فرانسه فرستاد. در این گروه، فردی به نام «رفاعه طهطاوی» بود، وی پس از تحصیل علم و بازگشت به مصر، زنان را به کشف چهره فرا خواند.

پس از او فردی مسیحی، به نام «مرقس فهمی» کتابی به نام «المرأة فی الشرق» نوشت و در این کتاب حجاب را مورد هدف قرار داده و اختلاط زن و مرد را تبلیغ می کرد.

«احمد لطفی سید» نخستین کسی بو که اختلاط دختران و پسران را در دانشگاه های مصر

مشروعیت بخشید و بدین شکل، دختران بدون حجاب صورت می‌توانستند درس بخوانند.

«طه حسین» و «قاسم امین» با نگارش کتاب «تحریر المرأة» و «المرأة الجديدة» یعنی تبدیل زن مسلمان به زن اروپایی، این پدیده را مورد تایید قرار دادند.

«سعد زغلول» و «احمد زغلول» کتاب‌های قاسم امین را، که به سمت آزادی و بی‌حجابی زن فرا می‌خواندند، مورد مطالعه قرار دادند و پس از آن در قاهره جنبش زنان به منظور فرا خواندن زن به کشف حجاب به ریاست «هدی شعراوی» شکل گرفت. و اولین تجمع زنان در این مورد در منطقه ... در ... روی داد.

### نقطه آغاز این حرکت

سارا اینجا از گفتن باز آمد و گفت :  
اعوذ بالله، سبحان الله، أریح پرسید: بگو: نخستین  
تجمع آنان کجا بود؟

سارا: در محلی که اگر اسم آن را ببرم ،  
متوجه می شوید که این طرح و برنامه ریزی از  
طرف غیر مسلمانان ریخته شده است ! حالا بشنو:  
در سال 1920 م ، «کلیسای مرقصیه» مصر و برای  
آن برنامه ریزی شد و منتظر مرحله اجرای آن  
شدند.

أریح: امری بسیار شگفت آور و عجیب  
است، یعنی برای فاسد کردن جامعه و فاسد  
نمودن مادر، دختر و همسر جریانی صورت گرفته  
و برنامه ریزی ای شده است؟



سا را خواهشاً مطلب را کامل کن.

سارا! مطلب را ادامه دهید:

سارا افزود: «هوی شعراوی» اولین مسلمان مصری بود که این جسارت بی شرمانه را به خرج داد و زنان را نسبت به بی حجابی جرأت داد! وای بر چنین روزگاری! چه پاسخی برای الله آماده کرده است؟! تراژدی ای که وجدان آدمی را به درد آورده و سبب افسوس و حسرت مسلمان می گردد.

وقتی «سعد زغلول» که از انگلستان باز گشت، برای استقبال او دو خیمه برافراشته بودند، در یک خیمه زنان و در خیمه دیگر مردان منتظر بودند، وقتی او از هواپیما پیاده شد، به جای اینکه به سمت خیمه مردان برود، راهی خیمه زنان شد، خیمه ای که مملو از زنان محجبه بود، هنگامی که به آنجا رسید، «هدی شعراوی» به استقبال او جلو آمد و «سعد زغلول» دستش را به سمت او دراز کرد. «هدی شعراوی» صورتش را ظاهر کرد و شعراوی با او مصافحه کرد. شعراوی شروع به کف زدن کرد و همگی زنان کف زدند و حجاب را از چهره‌شان برداشتند. همه اینها نقشه قبلی بود. با این حال اما علمای ربانی سکوت نکردند، بلکه این حرکت ناشایست را ردّ نموده و کتاب هایی را نگاشتند و مردم را از این عمل باز داشته‌اند.

## روزی دیگر

در یکی دیگر از آن روزها، همسر «سعد زغلول» که «صفیه فهمی» نام داشت، در میان جمعی از زنان که مدعی آزادی و دموکراسی بودند، در قاهره ظاهر شد و حجاب را از خود برداشت و در زیر پاهایش لگد مال کرد، و هم زنانی که در آن جمع حضور داشتند، دست به همین حرکت زدند، و مردم این صحنه را مشاهده می‌کردند. آن گاه سپس آتشی برافروختند و چادرها را در آن سوختند.

## شکستن کشتی نجات

حدود سالهای 1900 م مجله ای به نام «مجله السفور» منتشر گردید و به سمت بی‌حجابی فرا می‌خواند و مدعی بود که زن و مرد، در همه امور شریکند و این شراکت را به مساوی بودن در بی‌حجابی میان زن و مرد و اختلاط زن و مرد در اماکن عمومی تفسیر می‌کرد.

روز به روز این حوادث و اتفاقات که با آبرو و هویت زن مسلمان تناقض داشت، به نام آزادی زن گسترش پیدا می‌کرد، بازیگران و ترانه خوانان را تعریف می‌کردند، پوشیدن صورت سخت‌گیری محسوب می‌شد، با وجود این که در تاریخ طویل هزار ساله اسلام در مصر، این امر، که زنان بدون حجاب ظاهر شوند، پدیده ای ناشناخته بود.

صدای سارا با خواندن این مطالب می‌لرزید، و با سختی جلوی اشک‌هایش را می‌گرفت و در ذهنش

این امر تداعی می کرد که نوادگان صحابه کرام ۷ بدون حجاب و پرده شده اند و گروهی از آنان به کلیساها روی می آورند. سارا لحظه ای سکوت کرد و جمله «لا حول ولا قوة» را بر زبان آورد.

اریج گفت: بسیار خوب، در این زمان، علما و مصلحان جامعه کجا بودند؟ چرا حرکت نکردند؟ داعیان و واعظان چه خدمتی انجام دادند؟ چرا کشتی را از غرق شدن نجات ندادند؟

سارا ادامه داد: کشف و ظاهر کردن چهره روز به روز افزایش پیدا می کرد و مفسدان از هر طریقی با حجاب مبارزه می کردند.

### آتش فراگیر

این گونه کشف حجاب کسترش پیدا کرد و با شعارهای گوناگونی، از قبیل: آزادی زن، دموکراسی، مساوات و... زن از خانه اش بیرون آورده شد تا با بی پردگی و لبخندش در میان مردان ظاهر شود. زن در فرودگاه ها و رستورانها مشغول کار و گارسون هواپیما شد. اگر شوهر یا پدرش مانع این شغل می شد، قانون آزادی هیچ گونه سلطه ای به آنان نمی داد، در واقع همه موانع اختلاط زن و مرد را از میان برداشتند و به ناموس و شرف زن هتک حرمت صورت گرفت، بدون این که کسی از زن پاسداری کند.

ای کاش که مسأله به همین جا متوقف می گشت و تنها چهره زن باز گذاشته می شد، اما مسأله فراتر رفت تا حدی که فساد زن موجب فساد

سرزمین‌های جه ان اسلام گردید، تا کار بدانجا رسید که کاواره ها و فساد خانه ها با مدارک رسمی و قانونی شروع به کار کردند آن هم در کشورهای اسلامی! ای دریغ!!

و قانون ساقط شدن حدّ زنا در صورتی که زن و مرد فاحشه راضی به این عمل باشند، وضع گردید!!

### پارگی به حدی رسید که از وصله زدن هم گذشت

سارا اندکی مکث کرد و نگاهی به ساعتش انداخت و دوباره چشمانش را به کتاب دوخت و گفت: در ص 56 عبارت زیبا و مختصری، در رابطه با روش‌های شهوترانان برای فاسد کردن سرزمین‌های اسلامی و بهره برداری از زن می بینیم... نظر شما چیست که سرسری آن را بخوانیم.

أریج: چون تا حالا طول کشیده است، شام به حساب شما، حاضریم بمانیم. شما در جریان هستید که اینجا سالن غذا خوری است و شما بسیار آدم بخشنده و م ی همان نوازی هستی، چه کسی بهتر از ما که مورد پذیرایی قرار گیرد! سارا با لبخندی سخنان آنان را پاسخ داد و گفت: چی؟ صرف شام؟ مثل اینکه پدرم نزدیک است، بیایید.

مها گفت: أریج از زمانی که ما اینجا نشسته ایم، فک جنابعالی در حال حرکت و خوردن است، آدامس، بسکویت، نوشیدنی البته من هم از تو کم نیاوردم، اما بیچاره سارا، ما می خوریم و او فقط می‌خواند؟ سارا گفت: نوش جان،

خداوند سلامتی بیاورد، مهم این است که راه و روش این افراد مفید را بدانیم؛ زی را ما به دنبال روش‌هایشان هستیم، ولی از آنها اطلاعی نداریم و آن گاه به خواندن کتاب ادامه داد.

### شیوه‌ها

آغاز کار ظاهر کردن چهره بود و پس از آن برای قانع کردن زنان مسلمان راه‌ها و روش‌های گوناگونی اتخاذ کردند، از قبیل: کشی‌دن عبا و چادر و اکتفا کردن به لباس‌های گشاد به جای چادر و عبا! به دنبال آن شیوه‌های دیگری به کار گرفتند از قبیل: به نمایش گذاشتن زنان بی‌حجاب به عنوان الگوی سایر زنان، فروش عبا‌های مزین و آراسته، نازک و چسبان. فراخواندن به مشارکت و همراهی زن در همه میادین از قبیل تجمعات عمومی، کمیته‌ها، کنفرانس‌ها، همایش‌ها و جلسات، فراخواندن وی به سفر بدون محرم و مسافرت به شرق و غرب برای ادامه تحصیل و مشارکت در کنفرانس‌ها و مدیر اجرایی برخی کارها، فراخواندن وی برای تاسیس کلاس‌های شعر، موسیقی، با زیگری، تیم فوتبال زنان، کشیدن عکس زن در مجلات و روزنامه‌ها و اجرای برنامه‌های تلویزیونی و مجری برنامه‌ها، اجرای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و مکالمات کرشمه آمیز با شرکت‌کننده‌گان برنامه‌ها، به بهانه رفاهت و دوستی میان دو جنس زن و مرد و ترتیب دادن برنامه - هایی در رسانه‌های سمعی و بصری و نوشتاری،

هدیه دادن به خوانندگان ترانه‌ها و امثال این برنامه‌ها...!!!

### نقطه حرکت

آری، آغاز این کار با کشف صورت بود و سپس گسترش پیدا کرد تا اینکه به مرحله اجرای این برنامه تا کشیدن حجاب و انداختن آن زیر قدم - ها و سوزاندنش تبدیل شد.

به دنبال این رویدادها در بعضی از کشورها قوانینی برای منع پوشیدن چهره وضع شد، از جمله: ترکیه، تونس، ایران، افغانستان، آلبانی، صومالی، الجزایر، و زن محجبه، مجرم محسوب می‌گشت. زن محجبه در بعضی کشورها، راهی زندان شده و به پرداخت جریمه نقدی مکلف می شد.

اریج گفت: به خدا قسم! راست گفتم، تعجب اینجاست که در برخی کشورهای اسلامی نسبت به مسأله حجاب سخت گیری و با پوشش صورت مبارزه و مخالفت صورت می‌گیرد، با وجودی که در برخی کشورهای غیر اسلامی دیده می‌شود که در رابطه با آزادی حجاب زن حقوقی تعیین گردیده است.

من در خبری که در شبکه خبری رویترز پخش شده بود، خواندم که چند روز پیش، سازمانی تحت عنوان دفاع از حقوق زنان تأسیس شده تا شرکت‌های مسافربری قطاری توکیو، در کشور ژاپن، در متروی قطار شهری، واگن‌های ویژه‌ای را به زنان اختصاص دهد تا مورد تعذیب مردان ژاپنی در واگن‌های مختلط قرار نگیرند که این امر باعث گردید تا برخی از مردان پایتخت

ژاپن دست به اعتراض بزنند و این امر را نوعی امتیاز در حق زنان تلقی نمایند.

خداحافظ

گوشی سارا به صدا در آمد، به شماره روی صفحه نگاهی انداخت و گفت: پدرم هست، مثل این که رسیده است، گوشی را جواب داد : وعلیکم السلام... بله... بله... دارم میام... آن گاه شروع به پوشیدن لباس نمود و زیبایی صورتش را پوشانید. مها و اریج برای خداحافظی با او بلند شدند.

سارا گفت: انشاءالله به زودی همدیگر را می بینیم، اما اریج و مها عزیز! به خدا... این را بدانید که دعوت دهندگان کشف حجاب و بی پردگی و اختلاط کننده گان میان مردان و زنان، هدفی غیر از این ندارند که شما را به کنیزی مبدل کنند و مرد هوسران هر زمان که بخواهد تو را در زیر نیش هایش بجود و سپس هر زمانی که دلش خواست، تف کند.

اریج و مها دوست داشتند که سارا را در مسیر همراهی کنند تا سارا آرامتر حرکت کند و سخنشان به درازا بکشد؛ اما بار دیگر گوشی سارا به صدا در آمد، لذا با آن دو خداحافظی کرد و رفت.

با سپاس فراوان از بزرگوارانی در جمع آوری این کتابچه از کتب ایشان بهره بردم، خصوصاً جناب شیخ دکتر بکر ابوزید، شیخ سلیمان خراشی و شیخ احمد بن عبدالعزیز حمدان.

از خداوند سبحان مسئلت دارم که برای  
همگان مفید واقع گردد . و صلی الله علی نبینا

به زودی منتشر می شود

## تفسیر غریب القرآن

تألیف: کامله الکواری

ترجمه: ام حسان ملازهی

## زنان پیشازد محبت پیامبر

تألیف: سامی حاشور حسن بن حاشور



# از زندگی ات لذت ببر (چاپ سوم)

دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

محمد حنیف حسین زائی

پایان جهان (چاپ سوم)

دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

# غربت در دیار فرنگ (پاپ دوم)

دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

محمد حنیف حسین زائی

---

## تاریخ بلوچستان

ترجمہ مولانا گل محمد دادگر

استاد منطق و فلسفه دارالعلوم حقایقیه اراشهر